نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۰
سال بیست و نهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحه ۱۹۴ - ۱۵۳

نقش حاکمیت شرکتی در بهبود رتبه نظارتی بانک‌های خصوصی کشور

اعظم احمدیان
استادیار گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
azam_ahmadyan@yahoo.com
مهدی قاسمی علی‌ابادی
دکتری اقتصاد اسلامی، مدیر ریسک، انطباق و مبارزه با پولشویی، بانک پارسیان، تهران، ایران
ghasemi@gmail.com

سلامت یک بانک ضمن کمک به حفظ اعتماد و اطمینان به آن می‌تواند منافع ذینفعان را نیز تضمین نماید. اما برقراری تعادل در منافع تمامی ذی‌نفعان مستلزم ارتقای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها است. با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بانک‌ها بررسی شده است. به همین منظور با استفاده از صورت مالی بانک‌های خصوصی کشور در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۷ و اصول کمیته بال در حوزه حاکمیت‌شرکتی معیارهای مورد نیاز اندازه‌گیری شده است. سپس برای اندازه‌گیری اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی از روش پانل و کاپلان‌میر استفاده شده است. نتایج بررسی بیانگر این است، معیار خوبی شفافیت اثر مثبت و معنی‌دار و خوبی هیأت مدیره اثر منفی و معنی‌دار بر بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارند، اما مسئولیت‌پذیری اثر معنی‌دار ندارد. درجه اهمیت اثربخشی هیأت مدیره در مقایسه با سایر معیارهای خوبی شفافیت و افشا و خوبی مسئولیت‌پذیری بیشتر بوده و معیار خوبی شفافیت و افشا نیز در مقایسه با معیار خوبی مسئولیت‌پذیری اثر بیشتری در بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارند. همچنین هر چه بانک‌ها معیارهای بیشتری از اصول حاکمیت شرکتی را رعایت کنند، در مدت زمان کمتری به بهبود رتبه نظارتی دست می‌یابند. این مدت زمان برای اثربخشی هیأت مدیره کوتاه‌تر از سایر موارد است.

طبقه‌بندی JEL: C12, C23, C41
واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، رتبه نظارتی، سلامت بانکی، کملز

تاریخ دریافت: ۱۷ / ۸ / ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۱۲ / ۱۴۰۰

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

۱. مقدمه

آنچه از استانداردهای بین‌المللی در حوزه حاکمیت شرکتی استنباط می‌شود، نقش و اهمیت حاکمیت شرکتی در بهبود سلامت مالی بانک‌ها است. به‌طوری‌که در صورتی می‌توان از اداره صحیح بانک‌ها اطمینان حاصل کرد که یک نظام حاکمیت شرکتی مناسب در آنها برقرار باشد. در همین راستا، کمیته نظارت بانکی بال نیز در آخرین توافقنامه خود که به بال ۳ معروف است، یکی از الزام‌های ایجاد و تقویت سلامت و ثبات در بانک‌ها را استقرار حاکمیت شرکتی عنوان می‌کند (بال ۳).[1]

روش‌های مختلفی برای ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها در سطح جهان معرفی شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به روش کملز اشاره نمود. این روش برای نخستین بار در کشور آمریکا پذیرفته شد و سپس توسط صندوق بین‌المللی پول انتشار یافت (میلیگان[2]، ۲۰۰۲).

اکثر پژوهش‌های موجود در مورد حاکمیت شرکت‌ها، بر عملکرد شرکت متمرکز شده‌اند پژوهش‌های بسیار محدودی در مورد حاکمیت شرکتی در بانک‌ها صورت گرفته است(کاپریو و همکاران، ۲۰۰۷)[3]. با این حال، حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به دلایل مختلف در مقایسه با شرکت‌های غیر مالی بسیار پیچیده است. اول اینکه، بانک‌ها نهادهای مالی بزرگ هستند و ضروری است، حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به‌طور مؤثر انجام شود. دوم اینکه، بر اساس مطالعه لوین[4] (۱۹۹۷) بانک‌ها نقش مهم در توسعه اقتصادی و بهبود رشد اقتصادی، جمع‌آوری پس‌اندازها و انتقال آن به سرمایه‌گذاری‌ها دارند. به‌طوری‌که در کشورهای در حال توسعه، مهمترین بخش تأمین مالی بیرونی بوده و نقش مهمی در حاکمیت شرکتی بنگاه‌ها به‌صورت سهامداران و یا عرضه‌کنندگان تسهیلات در کشورهای مختلف دارند. اهمیت نقش بانک‌ها در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی، باعث می‌شود که دولت‌ها الزامات مقرراتی نظیر الزامات حاکمیت شرکتی را برای بانک‌ها برقرار کنند (لوین[5]، ۲۰۰۴).

1. Basel III
2. Milligan
3. Caprio et al.
4. Levine
5. Levine

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

پیچیدگی فعالیت بانک‌ها، باعث شده است، عدم تقارن اطلاعات افزایش یافته و قدرت نظارت سهامداران بر مدیریت بانک کاهش یابد. علاوه بر آن، تضاد منافع درون بانک بین سپرده‌گذاران و سهامداران وجود دارد. سهامداران می‌خواهند وارد پروژه‌های پرریسک شوند و ارزش سهام خود را در مقابل افزایش هزینه سرمایه‌گذاری افزایش دهند. اما سپرده‌گذاران ریسک‌گریز هستند. برای جلوگیری از ورشکستگی سیستم بانکی، سپرده‌گذاران کوچک بیمه می‌شوند و بانک‌ها بیشتر نظام‌مند می‌شوند. به‌نظر می‌رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیأت مدیره مستقل و سهامداران امکان‌پذیر نیست (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین ضروری است که بانک‌ها دارای حاکمیت شرکتی خوب باشند تا بتوانند بهتر نقش‌های واسطه‌گری مالی را اعمال نمایند. از آنجا که بخش بانکی نسبت به شوک‌های مختلف آسیب‌پذیر است، ضعف در حاکمیت شرکتی آن می‌تواند به سیستم مالی آسیب رسانده و ریسک سیستماتیک برای اقتصاد ایجاد نماید. به‌طوری‌که شکست در حاکمیت شرکتی بانک‌ها، برعملکرد آنها و در نتیجه بر اقتصاد اثرگذار خواهد بود و ممکن است اثرهای آن در سطح جهان نیز گسترش یابد. نمونه‌ای از این حادثه در طول بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ (پاتان و همکاران[1]، ۲۰۰۸) و بحران مالی ۲۰۰۸ (پنی و واهاما[2]،۲۰۱۲) آمریکا رخ داد. یکی از دلایل بحران مالی ۲۰۰۸، ضعف و شکست در حاکمیت شرکتی بوده به خصوص، ضعف‌هایی در الزامات قانونی و استانداردهای حسابداری وجود داشته است (کرکپاتریک[3]، ۲۰۰۹).

در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز همواره به موضوع حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از اصول و پیش‌نیازهای تحقق یک نظام بانکی باثبات و پایدار، نگاه ویژه‌ای معطوف بوده است. در همین راستا و با هدف اشاعه ادبیات نظری موضوع، اسنادی در این خصوص تألیف و ترجمه شده

1. Pathan et al.
2. Peni and Vahamaa
3. Kirkpatrick

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

است.[۱] از طرف دیگر ورشکسته شدن برخی از مؤسسه‌های مالی و ادغام سایر مؤسسه‌ها که در معرض ورشکستگی قرار گرفته‌اند، موجب شده تا بانک مرکزی و بخش نظارت غیرحضوری[۲] آن تمرکز بیشتری بر سلامت مالی مؤسسه‌های پولی و اعتباری داشته باشند.[۳]

با توجه به اهمیت پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی و برقراری ثبات و سلامت بانک‌ها در شبکه بانکی کشور، در این مقاله، اثر پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بانک‌ها بررسی شده است. به همین منظور با بهره‌مندی از تجربه‌های موجود در کشور در خصوص پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی، معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی طراحی شده است. سپس با به‌کارگیری چارچوب رتبه‌بندی کملز، رتبه نظارتی بانک‌ها استخراج شده است. جامعه آماری در این مقاله، ۱۶بانک خصوصی هستند. زیراکه آیین‌نامه‌های موجود در کشور مربوط به رعایت اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر دولتی بوده و در مورد بانک‌های دولتی سکوت شده است. بنابراین اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی اجرا نمی‌شود.

این مقاله نکاتی را مدنظر قرار داده است که آن را از سایر مطالعه‌های داخلی و خارجی متمایز می‌سازد. در این مطالعه با توجه به اثرپذیری تغییرهای رتبه نظاتی از حاکمیت شرکتی، از بهبود رتبه نظارتی به جای رتبه نظارتی به‌عنوان متغیرهای وابسته استفاده شده است. در این مطالعه به‌جای تمرکز بر مقدار عددی معیارهای حاکمیت شرکتی، معیار حاکمیت شرکتی خوب تعریف شده است. به این صورت که اگر نمره کسب شده در هر معیار بزرگ‌تر از میانگین نمره قابل قبول باشد، به مفهوم داشتن ساختار حاکمیت شرکتی خوب بوده و در غیراین‌صورت بانک دارای ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف است. با به‌کارگیری آماره T، درجه اهمیت هر یک از معیارهای حاکمیت شرکتی در مقایسه با سایرین بیان شده است. در پایان نیز دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه در صورت وجود و عدم وجود هر یک از معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بررسی شده است.

---

۱. برای ملاحظه آیین‌نامه‌های مرتبط به بخش آیین‌نامه‌های بخش نظارتی در سایت بانک مرکزی مراجعه نمایید.

2. Off-side supervision

۳. بند الف-۳، ماده ۲۳، لایحه قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۵/۵/۳، بند ۱۴ ماده ۱۶ این لایحه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

این مقاله به‌دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. آیا رابطه معنی‌دار بین معیارهای حاکمیت شرکتی و بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها وجود دارد؟

۲. کدام‌یک از معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی، دارای اهمیت بیشتری در بهبود رتبه نظارت بانکی است؟

۳. آیا وجود معیار خوبی حاکمیت شرکتی می‌تواند دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه نظارتی را برای بانک کاهش دهد؟

در این راستا چارچوب مقاله به این شرح است. در بخش دوم، مبانی نظری پژوهش درحوزه اهمیت برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و سلامت بانک‌ها و چارچوب رتبه‌بندی کملز بیان شده است. همچنین پیشینه پژوهش مرتبط در حوزه رابطه بین حاکمیت شرکتی و سلامت بانک‌ها بیان شده است. در بخش سوم سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش و در بخش چهارم روش‌شناسی پژوهش حاضر بیان شده است. مدل مورد نظر مقاله در بخش پنجم طراحی شده و اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بانک‌ها بررسی شده است. در پایان و بخش ششم، نتیجه‌گیری و بحث بیان شده است.

۲. پیشینه پژوهش

موارد متعدد کلاهبرداری، رسوائی‌های حسابداری و سایر شکست‌های کسب و کار در شرکت‌های سرتاسر جهان، که اغلب منجر به طرح دعاوی حقوقی یا حتی ورشکستگی می‌شود، حاکمیت شرکتی را به عنوان موضوعی بسیار مهم در بحث‌ها و تحقیقات آکادمیک و حرفه‌ای تبدیل کرده است. در پشت این موارد یک فرض وجود دارد که علت اصلی این مشکلات در حاکمیت شرکتی بد است(لارکر و تایان[1]، ۲۰۱۱). به منظور جلوگیری از چنین انحرافی در حاکمیت شرکتی، استانداردهایی در سطح بین‌الملل تدوین شده است. هدف همه آنها تدوین استانداردهای حاکمیت شرکتی خوب بوده است. چگونگی اجرای این استانداردها در کشورهای مختلف بستگی به ویژگی‌های ملی و حاکمیتی آن کشورها بستگی دارد. با این حال برخی از مطالعات نشان داده‌اند

1. Larcker and Tayan

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

که سیستم‌های حاکمیت شرکتی در مناطق مختلف همگرا هستند (نستر و تامپسون[1]،۱۹۹۹؛ مارتینوا و رنبوگ[2]،۲۰۱۰).

انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی خوب باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات ناشی از تفکیک بین مالکیت و مدیریت شود (باود و ویلکنس (۲۰۰۸)[3]، هلی و پاپو (۲۰۰۱)[4]). حاکمیت شرکتی سالم با مکانیزم نظارت و انضباط مؤثر، مشخص می‌شود که باید از رفتار فرصت طلبانه مدیران عالی جلوگیری کند (رندرس و گیرمینک و سرسو[5]،۲۰۱۰؛ تیپوریک و همکاران[6]، ۲۰۱۶) و چارچوبی را برای حفاظت از منافع سهامداران فراهم می‌کند. این موضوع استفاده بهینه از منابع موجود را تشویق می‌کند و منجر به بهبود عمکرد شرکت می‌شود (رندرس و گیرمینک و سرسو،۲۰۱۰).

به طور سنتی، ادبیات حکمرانی دو سیستم حاکمیت را تعریف کرده است. سیستم باز (انگلیسی-آمریکایی) حاکمیت شرکتی با ساختار مالکیت پراکنده، بازار فعال برای کنترل شرکت‌ها، حقوق قوی سهامداران و تأمین مالی سهام کوتاه‌مدت مشخص می‌شود. سیستم بسته حاکمیت شرکتی (اروپای مرکزی) با تأمین مالی بدهی بلندمدت، مالکیت دارنده بلوک متمرکز، بازارهای غیرفعال برای کنترل سرمایه و نقش اساسی بانک‌ها مشخص می‌شود (لاپورتا و همکاران[7]، ۱۹۹۹؛ لارکر و تایان[8]، ۲۰۱۱؛ رندرس و گیرمینک[9]، ۲۰۱۲). راه حل‌های مربوط به مشکلات حاکمیت شرکتی در این دو سیستم متفاوت است. بازار برای کنترل شرکتی و جبران خسارت مدیریت مکانیسم‌های رایج در سیستم باز حاکمیت شرکتی است. در سیستم بسته، کنترل توسط سهامداران بزرگ همراه با هیئت مدیره مکانیزم غالب برای همسان‌سازی منافع مدیران و مالکان است (لارکر و تایان،۲۰۱۱؛ تیپوریک و همکاران، ۲۰۱۶).

1. Nestor and Thompson
2. Martynova and Renneboog
3. Bauwhede and Willekens
4. Healy and Palepu
5. Renders, Gaeremynck and Sercu
6. Tipuric et al.
7. Laporta, Lopez-de-Silanes and shleifer
8. Larcker and Tayan
9. Renders and Gaeremynck

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

OECD(2015) به‌طور سنتی استانداردها، اصول و توصیه‌هایی را برای حاکمیت شرکتی خوب بیان می‌کند. اجرای صحیح و مناسب صلاحیت‌های نهادهای مدیریتی در کدهای مختلف حاکمیت شرکتی در سراسر جهان ارائه و توضیح داده شده است. اصول حاکمیت شرکتی oecd 2015 موضوعات زیر را هدف قرار می‌دهد تا روابط و رفتارهای عادلانه و منصفانه را فعال کند.

- اطمینان از مبانی یک چارچوب کارآمد حاکمیت شرکتی.
- حقوق و رفتار عادلانه سهامداران و مالکیت کلیدی.
- سرمایه گذاران نهادی، بازارهای سهام و سایر واسطه ها.
- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی.
- افشا و شفافیت.
- مسئولیت‌های هیئت مدیره.

اصول oecd 2015 بر اهمیت استانداردهای اخلاقی بالا تأکید می‌کند، اظهار می‌دارد که اینها منافع بلندمدت شرکت را به‌عنوان وسیله‌ای برای معتبر و قابل اعتماد بودن شرکت - نه تنها در کارهای روزمره، بلکه همچنین با توجه به تعهدات مدت‌دار چارچوب کلی رفتار اخلاقی فراتر از انطباق با قانون فراهم می‌کند.

ادبیات مربوط به ارتباط بین حاکمیت شرکتی و رتبه‌بندی بانک‌ها، بر اساس ادبیات تئوری نمایندگی[1] بنا شده است. در چارچوب تئوری نمایندگی، جنسن و مکلینگ[2] (۱۹۷۶)، حاکمیت با کنترل هزینه‌های نمایندگی که ناشی از اختلافات بین مدیران و کلیه سهامداران و همچنین بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران است، بر رتبه اعتباری تأثیر می‌گذارد. مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی که نظارت مستقل بر مدیریت را فراهم می‌کند، می‌تواند تصمیم‌گیری مؤثر مدیریتی را فراهم نموده و ارزش بنگاه را افزایش می‌دهد. همچنین می‌تواند مانع تصمیم‌گیری‌های فرصت‌طلبانه‌ای شود که ارزش بنگاه را کاهش می‌دهد. ساز و کارهای حکمرانی باعث ترویج تصمیم‌گیری بهترمدیریتی و محدود کردن رفتار فرصت‌طلبانه به نفع همه ذینفعان است. اگر

1. Agency theory
2. Jensen and Meckling

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

حاکمیت ضعیف باشد، احتمال نکول افزایش یافته و در نتیجه رتبه اعتباری کاهش می‌یابد. منافع سهامداران و دارندگان اوراق قرضه معمولاً در هنگام نظارت بهتر بر مدیریت، همسو می‌شوند. با این حال، برخی از عناصر حاکمیت شرکتی تأثیر مبهم‌تری بر دارندگان اوراق قرضه دارند (رتبه‌بندی فیچ[1]، ۲۰۰۴). به‌عنوان مثال برخی از ویژگی‌های حاکمیت می‌تواند قدرت بیشتری را در اختیار سهامداران قرار دهد که می‌توانند نفوذ خود را برای دستیابی به سهام ترجیحی با هزینه سایر سهامداران تأمین کنند (دان و دانگلو[2]، ۱۹۸۳). متناوباً، سهامداران می‌توانند از قدرت خود برای تشویق مدیریت برای انجام سرمایه‌گذاری‌های ریسکی یا ایجاد تغییرات مالکیت که می‌تواند به منافع دارندگان اوراق قرضه آسیب برساند، استفاده کنند. به‌عهده گرفتن پروژه‌های با ریسک بالا تضادی کلاسیک بین دارندگان اوراق قرضه و سهامداران است که می‌تواند احتمال نکول را افزایش دهد و در نتیجه رتبه اعتباری پایین‌تری داشته باشد.

حاکمیت شرکتی از طریق ساز و کارهای بیرونی و درونی بر عملکرد بانک‌ها مؤثر بوده و ساز و کاری برای حفظ منافع ذی‌نفعان بانک است. نظام حاکمیت شرکتی با همسوسازی منافع مدیران و سهام‌داران به کاهش مسائل نمایندگی در بانک کمک می‌کند. ساز و کارهایی نظیر اثر بخشی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری بر سلامت و ثبات بانک اثرگذار است. سلامت مالی موقعیتی است که سپرده‌گذاران وجوه خود را در یک سیستم بانکی با ثبات سپرده‌گذاری می‌کنند. سلامت مالی یک نهاد مالی نظیر بانک‌ها از یک بانک به بانک دیگر متفاوت است. عوامل بیرونی نظیر مقررات زدایی، فقدان اطلاعات میان مشتریان بانک‌ها، ناهمگنی کسب و کار بانک‌ها، ارتباط بین بانک‌ها و سرایت بحران بانکی از جمله دلایل ورشکستی بانک‌ها است. در این میان ارزیابی عملکرد بانک‌ها، یکی از راه‌کارهای مناسب برای شناسایی مسائل پیش‌روی بانک‌ها است. یکی از ابزارهای مفید برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها، مدل کملز است(جوس[3]، ۱۹۹۹).

1. FitchRatings
2. Dann and DeAngelo
3. Jose

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

کشورهای مختلف نظیر ایتالیا، فرانسه و هلند سیستم‌های رتبه‌ندی مختلفی طراحی نموده‌اند که پایه و اساس آنها بر مبنای کملز بنا شده است. تفاوت سیتم رتبه‌بندی این کشورها با مدل کملز اجرا شده در آمریکا این است که در سیستم رتبه‌بندی آنها، مکانیسم سیستم هشدار سریع که امکان محاسبه احتمال تنزل یا بهبود رتبه بانک‌ها و پیش‌بینی رتبه را فراهم می‌کند، طراحی نشده است. با توجه به اینکه در این مقاله محاسبه احتمال بهبود بانک‌ها با وجود معیارهای حاکمیت شرکتی مهم بوده است، به همین دلیل از روش رتبه‌بندی کملز در کشور آمریکا استفاده شده است.

در سال ۱۹۸۰، بخش نظارتی آمریکا، به واسطه کاربرد سیستم رتبه‌بندی کملز، اولین سیستم رتبه‌بندی را به نهاد نظارتی حضوری[1] معرفی نمود. این موضوع باعث معرفی یک روش همسان رتبه‌بندی بانکی در ایالات متحده شد. این روش رتبه‌بندی توسطه سه نهاد نظارتی فدرال رزرو[2]، اداره حسابرسی ارز[3] و شرکت بیمه سپرده فدرال[4] به‌کار گرفته می‌شود (ریبل و گانتر[5]، ۱۹۹۵).

روش رتبه‌بندی کملز بر اساس شاخص‌های کملز بنا شده است. شاخص‌های استاندارد کملز[6] در ۶ زیر شاخه کفایت سرمایه[7]، کیفیت دارایی[8]، کیفیت مدیریت[9]، سودآوری[10]، کیفیت نقدینگی[11] و حساسیت به ریسک بازار[12] از سال ۱۹۷۹ در کشور آمریکا پذیرفته شد و آخرین نسخه به‌روزشده آن در سال ۱۹۹۶ توسط صندوق بین‌المللی پول انتشار یافت (میلیگان[13]، ۲۰۰۲). اجزای کملز به‌خوبی می‌توانند سلامت و ثبات بانکی را توضیح دهند(بار و همکاران، ۲۰۰۲). چارچوب کملز بر مبنای نسبت‌های مالی بنا شده و با به‌کارگیری نسبت‌های مالی به ارزیابی عملکرد بانک‌ها می‌پردازد. در ادامه اجزای کملز تشریح می‌شوند.

---

1. On site supervision
2. Federal Reserve System
3. Office of the Comptroller of Currency
4. Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)
5. Rebel and Gunther
6. CAMELS
7. Capital Adequacy
8. Asset Quality
9. Management Soundness
10. Earnings
11. Liquidity
12. Sensitivity to Market Risk
13. Milligan

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

کفایت سرمایه یکی از مهمترین معیارهای سلامت مالی بانک‌ها است زیرا که این معیار بیانگر توانایی جذب زیان ناشی از ریسک‌های پیش‌روی بانک متأثر از بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان است. در واقع این معیار به‌خوبی می‌تواند ورشکستگی یا عدم ورشکستگی یک بانک را نشان دهد (سقفی[1]، ۲۰۰۵). کیفیت دارایی سلامت یک بانک را در مقابل از دست دادن ارزش دارایی‌ها ناشی از مطالبات غیر جاری نشان می‌دهد. کیفیت پایین دارایی‌ها، دارای اثر سرریز است، زیرا که زیان‌های پیش‌روی بانک، سرمایه بانک را به مخاطره انداخته و ظرفیت درآمدی بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رومانا[2]، ۲۰۱۳).

کیفیت مدیریت توانایی هیأت مدیره و بخش مدیریت بانک را در شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل ریسک‌های پیش‌روی بانک برای دستیابی سلامت و ثبات و عملکرد کارا و منطبق با قوانین و مقررات می‌سنجد (گوپتا[3]، ۲۰۱۴). سودآوری یکی از مهمترین معیارهایی است که تعیین‌کننده توانایی یک بانک در کسب سود پایدار است. همچنین نشان‌دهنده روند درآمد و عواملی است که ممکن است بر پایداری این درآمد اثر بگذارد. سود پایدار نه تنها بر اعتماد عمومی به یک بانک اثر می‌گذارد، بلکه زیان‌های تسهیلات را نیز جذب نموده و ذخایر کافی ایجاد می‌کند. همچنین برای ایجاد ساختار مالی متوازین ضروری بوده و به ارائه پاداش به سهامداران کمک می‌کند. بنابراین ایجاد درآمدهای پایدار و سالم برای تداوم فعالیت یک بانک ضروری است (سنگمی[4]،۲۰۱۰).

کیفیت نقدینگی عامل مهمی است که بر تعیین جریان نقدی منظم و سرمایه‌گذاری‌های جدید تأثیر می‌گذارد. بنابراین، بانک‌ها موظف به داشتن نقدینگی مناسب و کافی برای پاسخگویی به مطالبات سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان و جلب اعتماد عمومی هستند. برای رسیدن به این هدف، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی باید سیستم مدیریت دارایی و بدهی مناسب داشته باشند تا بتوانند نقدینگی مورد نیاز برای حداقل نمودن شکاف بین دارایی‌ها و بدهی‌های سررسید شده را تأمین کنند

1. Saghafi
2. Romana
3. Gupta
4. Sangmi

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

(دانگ[1]، ۲۰۰۱). حساسیت به ریسک بازار منعکس‌کننده سطح اثرگذاری بی‌ثباتی‌های نرخ بهره، نرخ ارز، ارزش سهام بر سرمایه و درآمد بانک است (مادورا[2]، ۱۹۹۵).

در این روش، رتبه بانک‌ها بین یک تا پنج تعیین می‌شود. رتبه یک بیانگر بهترین رتبه و رتبه۵ بیانگر بدترین رتبه است. پس از تعیین رتبه هر بانک در هر زیر فصل، رتبه بانک در هر سرفصل مشخص شده و در نهایت رتبه کل بانک بین یک تا ۵ تعیین می‌شود. نظام رتبه بندی بانک‌ها در شاخص‌های سلامت بانکی در جدول ۱ معرفی شده است.

جدول ۱. نظام رتبه‌بندی بانک‌ها در شاخص‌های سلامت بانکی

رتبه	تحلیل رتبه	بازه‌ها بر اساس میانگین رتبه کسب شده در دسته و کل کملز
۱	عالی[3]	$1 \leq score \leq 1.5$
۲	رضایت‌بخش[4]	$1.5 \prec score \leq 2.5$
۳	متوسط[5]	$2.5 \prec score \leq 3.5$
۴	ضعیف[6]	$3.5 \prec score \leq 4.5$
۵	بحرانی[7]	$4.5 \prec score \leq 5$

منبع: سیستم رتبه‌بندی نهاد مالی واحد، ۱۹۹۷

تفسیر هر رتبه و نحوه تصمیم‌گیری در مورد بانک‌های مختلف در هر رتبه به این شرح است. بانک‌هایی که در رتبه ۱ قرار می‌گیرند، عملکرد قوی داشته و رویه‌های مناسب در مدیریت ریسک به‌کار گرفته و در برابر اختلالات مالی مقاوم هستند. رتبه ۲ بیانگر عملکرد رضایت بخش بانک در رویه‌های مدیریت ریسک بوده و پیش‌بینی می‌شود در برابر نوسانات تجاری نسبتاً مقاوم باشد. رتبه۳ در چارچوب کملز بیانگر عملکرد ناکارای بانک است. در این شرایط بانک مرکزی موظف به اعمال مقررات سختگیرانه و تنبیه‌های لازم نسبت به بانک خواهد بود. بانک‌هایی که در رتبه ۴ قرار دارند، دارای عملکرد ضعیف در عملیات بانکی بوده و نیاز به نظارت جدی دارند. بانک‌های این گروه نیازمند

1. Dang
2. Madura
3. Outstanding
4. Superior
5. Average
6. Underperformed
7. Doubtful

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

تجدید ساختار اساسی در سطح مدیریت بانک هستند. رتبه ۵ بیانگر وضعیت نامطلوب و بحرانی بانک است که تداوم فعالیت بانک وضعیت بحرانی آن را تشدید خواهد کرد. این گروه از بانک‌ها در معرض خطر بوده و نیازمند تصمیم‌گیری در مورد تعیین مدیر سازمانی و اصلاحات زیربنایی هستند. همه شاخص‌های استاندارد کملز به جز کیفیت مدیریت به صورت کمی قابل محاسبه می‌باشند. برای ارزیابی کیفیت مدیریت نیاز به اطلاعاتی نظیر ساختار سازمانی، حاکمیت شرکتی، مدیریت فنآوری اطلاعات، مدیریت کلان ریسک مالی، مدیریت منابع انسانی، سیستم کنترل‌های داخلی، برنامه‌ریزی استراتژی، مدیریت ریسک، مدیریت بازرسی و نظارت، مدیریت بازاریابی است که با طراحی یک پرسشنامه استاندارد قابل ارزیابی است(سیستم رتبه بندی نهاد مالی واحد).[1]

در ایتالیا و فرانسه، رتبه‌بندی سالانه بر اساس گزارش‌های واحد نظارتی تهیه شده و اطلاعات کمی و کیفی تحلیل می‌شود و نسبت‌های مالی به‌کار رفته در سیستم‌های رتبه‌بندی موجود در این کشورها مشابه، نسب‌های مالی به‌کاررفته در سیستم رتبه‌بندی نظارت حضوری آمریکا است. ایتالیا سیستم رتبه‌بندی پاترول[2] را در سال ۱۰۰۳ به عنوان یک ابزار نظارت غیر حضوری برای ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها معرفی نمود. داده‌های مورد استفاده در این سیستم مشتمل بر تحلیل اطلاعات ماهانه، ۱ ماهه و سالانه بانک‌ها است که توسط بانک ایتالیا تهیه می‌شود. سایر اطلاعات مورد نیاز از شرکت‌های خدمات اطلاعات تهیه می‌شود. عناصر این سیستم عبارت هستند از، کفایت سرمایه، سودآوری، کیفیت اعتباری، تشکیلاتی[3] و نقدینگی است. کفایت سرمایه یک بانک با آنچه مقررات بال برای پوشش ریسک اعتباری، ریسک موقعیت، ریسک تسویه و ریسک‌های بازار و ریسک نرخ ارز تعیین کرده است، مقایسه می‌شود. برای ارزیابی سودآوری، از شاخص‌های بازدهی دارایی، بازدهی سرمایه و حاشیه سود استفاده می‌شود. کیفیت اعتباری با دو نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی و شاخص تمرکز اعتباری قابل بررسی است. عنصر تشکیلاتی بر اساس اطلاعات موجود از مدیریت بانک قابل طراحی و ارزیابی است. کیفیت نقدینگی پس از اطمینان از عدم تطابق

1. Uniform Financial Institutions Rating System ,1997
2 . Patrol
3. Organization

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها از وضعیت نرمال و توسط شبیه‌سازی شوک‌های بیرونی بررسی می‌شود. دو سناریوی استرس شبیه‌سازی می‌شود که شامل خروج ناگهانی سپرده مشتریان و سپرده بازار بین بانکی و افزایش در سهم تسهیلات اعطایی در سبد دارایی است، تا مشاهده شود که عملکرد بانک تحت شرایط وضعیت نامناسب چگونه است. در این سیستم بانک‌ها از یک، بهترین حالت تا ۵، بدترین حالت رتبه‌بندی می‌شوند. رتبه ترکیبی نیز از متوسط وزنی رتبه هر بانک در هر عنصر می‌شود که شامل همه اطلاعات کمی و کیفی موجود در تحلیل‌هاست. رتبه حاصل از سیستم نظارتی غیرحضوری با نتایج رتبه‌بندی حاصل از سیستم نظارتی حضوری قابل مقایسه است. حتی اگر ارزیابی نهایی با استفاده از اطلاعات کمی و کیفی برای تحلیل در سال جاری انجام شود، ارزیابی کمی با داده‌های سال گذشته صورت می‌گیرد و در نتیجه رتبه آنها با وقفه زمانی یک‌ساله اعلام می‌شود. باید توجه شود که سیستم رتبه‌بندی پاترول فقط وضعیت جاری بانک را منعکس می‌کند که بسیار تحت تأثیر شرایط اقتصادی و ادوار تجاری است.

کمیسیون بانکی فرانسه[1] در سال ۱۹۹۷ یک سیستم رتبه‌بندی تحت عنوان ORAP[2]، پیشنهاد کرد. هدف از این سیستم، شناسایی ضعف‌های بالقوه با ارزیابی ریسک بانک‌ها با به‌کارگیری اطلاعات کمی و کیفی است. سیستم رتبه‌بندی اورپ با به‌کارگیری اطلاعات مختلف داخلی و بیرونی قابل طراحی است که اطلاعات داخلی شامل پایگاه داده‌های، بانک فرانسه و کمیسیون بانکی فرانسه است و اطلاعات بیرونی شامل اطلاعات دریافتی از حسابرسان و سایر ناظران بانکی است. این سیستم رتبه‌بندی در یک چارچوب استاندارد با رتبه‌بندی ۱۱ عنصر طراحی شده است. عناصر مربوط به نسبت‌های احتیاطی) سرمایه، نقدینگی، اکسپوژر بزرگ و کفایت سرمایه، (اقلام رو و زیرخط ترازنامه) کیفیت دارایی، وام‌های بد و ذخایر برای وام‌های بد (ریسک بازار، سودآوری) درآمد عملیاتی، اقلام غیر دوره‌ای[3] و بازدهی دارایی (معیارهای کیفی) سهامدارن[4] مدیریت و کنترل

1. French Banking Commission-Annual Report
2. Organization and Reinforcement of Preventive Action (ORAP)
3. Non – recurring items
4. Shareholders

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

داخلی[1] هر یک از عناصر بین رتبه یک، بهترین و ۵ بدترین رتبه‌بندی می‌شود. رتبه ترکیبی نیز از متوسط وزنی رتبه‌های یک تا ۵ در هر عنصر به‌دست می‌آید.

بانک هلند تا سال ۱۹۹۹، برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها از منابع مختلفی استفاده می‌کرد. این منابع شامل گزارش‌های ماهانه، فصلی و سالانه، گزارش‌های بخش نظارتی حضوری و اطلاعات موجود دیگر است. رتبه بر اساس قضاوت تخصصی ناظران بانکی در چارچوبی که بانک هلند تهیه کرده بود، تعیین شد. با توجه به اینکه این شیوه رتبه‌بندی دارای خطای انسانی بود، رتبه تعیین شده توسط ناظران دیگر نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. سیستم رتبه‌بندی که اخیراً جایگزین این سیستم رتبه‌بندی شده است، شامل سیستم ارزیابی ریسک جامع است.[2] این روش شامل ارزیابی جامع ریسک در بانک‌ها است که به ناظران کمک می‌کند، بانک‌ها با ریسک بالا و پایین راشناسایی نموده و بتوانند به بانک‌ها برای تعدیل رویکرد تجاری بانک کمک نمایند. از این روش علاوه بر کشور هلند، در کشورهای G10 نیز استفاده می‌شود. تحلیل ریسک تحت این سیستم شامل چهار مرحله است، مرحله اول تحلیل، نسبت‌های مالی بر اساس گزارش‌های حسابرسی شده. دوم تقسیم‌بندی بانک‌ها بر اساس نوع مدیریت و فعالیت‌های تجاری، سوم ارزیابی ریسک و کنترل‌ها در بانک‌های انفرادی، چهارم تعیین رتبه بانک. ارزیابی ریسک جامع شامل ریسک اعتباری، ریسک قیمت، ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ ارز، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک فن‌آوری اطلاعات، ریسک استراتژیک مقرراتی و یکپارچگی و ریسک شهرت می‌باشد. در این رتبه‌بندی رتبه یک به بانک با ریسک پایین و کنترل قوی داده می‌شود و ۱ به بانک با ریسک بالا و کنترل ضعیف داده می‌شود. تقسیم‌بندی بانک‌ها در ریسک و کنترل بر اساس الگوریتم ریاضی بنا شده است و بانک‌ها به دو دسته با ریسک بالا و کنترل بد و ریسک پایین و کنترل مناسب تقسیم می‌شوند. در مرحله نهایی نتایج ارزیابی ریسک بانتایج حاصل از ارزیابی شاخص‌های سلامت مقایسه می‌شوند، این مقایسه به ناظران برای برنامه‌ریزی جهت نظارت بهتر و شناسایی بانک‌های با ریسک بالا کمک می‌کند.

1. Internal control
2. Risk Analysis Handbook

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

آنچه از سیستم‌های رتبه‌بندی دنیا برمی‌آید مشخص می‌شود که نهاد نظارتی مسئول تعیین رتبه‌نظارتی است. ضمن آنکه وزن معیارها نیز توسط نهاد نظارتی تعیین می‌شود که دارای وزن یکسانی نیستند. در مقاله حاضر وزن معیارها برای ممانعت از خطای انسانی یکسان در نظر گرفته شده است.

در مطالعات داخلی نظیر مطالعات طبائی‌زاده فشارکی و همکاران (۱۳۹۷) فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) و رحیمیان و همکاران (۱۳۹۲)، اثر مقررات بال در حوزه حاکمیت شرکتی بر سلامت بانک‌ها بررسی شده‌اند.

طبائی‌زاده فشارکی و همکاران (۱۳۹۷) با انتخاب چند عامل سنجش مطلوبیت رویه‌های حاکمیت شرکتی (مانند تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، استقلال هیأت مدیره، کیفیت حسابرسی) تأثیر آنها را بر حفظ و ارتقاء سلامت مالی بانک‌های تجاری را بررسی کرده‌اند. آزمون‌های تکمیلی و همزمان نشان می‌دهد که شاخص‌های حاکمیت شرکتی موجب بهبود در شاخص‌های سلامت مالی می‌شوند و در نهایت این شاخص‌ها موجب تأثیر بر شاخص سود آوری خواهد شد. فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی و مقایسه تطبیقی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد مدل بیانگر اثرهای معنادار متغیرهای حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌های منتخب می‌باشد و همچنین سطح معناداری این متغیرها بین کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته متفاوت می‌باشد.

رحیمیان وهمکاران(۱۳۹۲) در مقاله خود پس از بررسی ویژگی‌های خاص سیستم بانکی به بررسی تجربی تأثیر سه دسته سازوکارهای حاکمیت شرکتی (ساختار مالکیت، ساختار هیات مدیره و حسابرسی) بر عملکرد بانک‌های ایرانی می‌پردازد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، درصد مالکیت سهامداران عمده رابطه مثبت و معناداری با عملکرد بانک دارد. همچنین بین تفکیک وظایف مدیرعامل از هیأت مدیره و کیفیت حسابرسی با عملکرد بانک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. اما بین اندازه هیأت مدیره و درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با عملکرد بانک رابطه معنادار وجود ندارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

از جمله مطالعات بین‌المللی که به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر سلامت بانک‌ها پرداخته‌اند، می‌توان به مطالعات آگویلار[1] (۲۰۱۶)، بکلوتی و همکاران[2] (۲۰۱۶)، اینام و مختاری[3] (۲۰۱۵)، آرتینینگسی و همکاران[4] (۲۰۱۱)، روگرز[5] (۲۰۰۸) و داس و همکاران[6] (۲۰۰۴) اشاره نمود. در این گروه از مطالعات از معیارهای مختلف حاکمیت شرکتی بر اساس اصول استاندارد کمیته بال نظیر دستمزد هیئت مدیره، تمرکز سهام، شفافیت، نظم بازار، هیأت مدیره و... استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری سلامت بانک‌ها نیز بر معیارهای کملز متمرکز بوده‌اند.

نتایج یافته‌ها بیانگر اهمیت برقراری حاکمیت شرکتی در بهبود سلامت و ثبات بانک‌ها بوده است. به‌طوری‌که هر چه معیارهای حاکمیت شرکتی بیانگر حاکمیت شرکتی خوب[7] باشند، سلامت مالی بالاتر خواهد بود (آگویلار، ۲۰۱۶؛ اینام و مختاری، ۲۰۱۵). همچنین بانک‌هایی که در حاکمیت شرکتی ضعیف هستند در مدیریت ریسک، سودآوری و حفظ ثبات مالی نیز ضعیف‌تر از سایر بانک‌ها هستند (بکلوتی و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین برخی از یافته‌ها بیانگر اثر بیشتر حاکمیت شرکتی بر بهبود کیفیت نقدینگی و کیفیت مدیریت در مقایسه با سایر معیارهای سلامت بانک‌ها در چارچوب کملز است (آرتینینگسی و همکاران، ۲۰۱۱). از طرف دیگر افشای اطلاعات و حاکمیت خوب بخش دولتی، اثر مقررات حاکمیت شرکتی بر سلامت سیستم مالی را تشدید می‌کند (روگرز، ۲۰۰۸؛ داس و همکاران، ۲۰۰۴).

1. Aguilar
2. Baklouti; Gautier and Affe
3. Inam and Mukhtar
4. Artiningsih et al.
5. Rogers
6. Das et al.
7. Good corporate governance

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

۳. روش شناسی پژوهش

هدف این مقاله بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بانک‌ها است. برای انتخاب معیارهای حاکمیت شرکتی از اصول ۱۴ گانه کمیته بال در حوزه حاکمیت شرکتی استفاده شده است (قاسمی علی‌آبادی و نصیر اقدم، ۱۳۹۷). برای تعیین رتبه نظارتی بانک‌ها از روش استاندارد رتبه‌بندی کملز[1] استفاده شده است (احمدیان، ۱۳۹۷). این نظام رتبه‌بندی جهت ارزیابی وضعیت کلی بانک‌ها به عنوان یک نظام رتبه‌بندی نظارتی، بر اساس داده‌های ترازنامه‌ای طراحی شده است. به همین منظور از داده‌های صورت مالی ۱۶ بانک خصوصی که هر ساله توسط مؤسسه عالی بانکداری ایران، منتشر می‌شود در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۷ استفاده شده است. ساختار کلی این بخش به این شرح است. در گام اول با به‌کارگیری روش رتبه‌بندی کملز، رتبه نظارتی بانک‌ها تعیین می‌شود. در گام دوم معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها طراحی می‌شود.

گام اول رتبه‌بندی بانک‌ها از نظر کملز

برای رتبه‌بندی بانک‌های کشور از متدولوژی کملز استفاده شده است. به این ترتیب معیارهای مورد استفاده، روش رتبه‌بندی و تعریف معیارها به شرح جدول ۲ است. مواردی که با بازه‌های ثابت رتبه‌بندی‌شده‌اند، در اصول بال برای آنها مقادیر مشخصی تعریف شده است. برای اینکه سایر نسبت‌ها چوله به راست یا چپ نباشند، از گشتاور مناسب برای رتبه‌بندی استفاده شده است.

1. CAMELS (Capital adequacy, Asset quality, Management, Earning, liquidity, Sensitivity)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

جدول ۲. شاخص‌های مورد استفاده در رتبه بندی بانک‌ها و روش رتبه‌بندی

معیار	شاخص	کد	روش رتبه بندی
کفایت سرمایه*	نسبت سرمایه به دارایی موزون به ریسک	C_1	بازه‌های ثابت
	نسبت سرمایه جزء اول به دارایی موزون به ریسک	C_2	بازه‌های ثابت
کیفیت دارایی**	مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات	A_1	گشتاوری حول میانگین
	توزیع بخشی تسهیلات(سهم تسهیلات اعطایی به بخش‌های مختلف اقتصادی به کل تسهیلات)	A_2	گشتاوری حول میانگین
کیفیت مدیریت**	سود به نیروی انسانی	M_1	گشتاوری حول میانه
	رشد تعداد شعب	M_2	گشتاوری حول میانه
	هزینه به تعداد شعب	M_3	گشتاوری حول میانه
سودآوری**	بازده سرمایه	E_1	گشتاوری حول میانه
	بازده دارایی‌ها	E_2	گشتاوری حول میانه
	حاشیه سود	E_3	گشتاوری حول میانگین
	هزینه به درآمد	E_4	گشتاوری حول میانگین
نقدینگی**	دارایی‌های نقدشونده به کل دارایی	L_1	بازه‌های ثابت
	دارایی نقدشونده به بدهی کوتاه‌مدت	L_2	گشتاوری حول میانگین
حساسیت به ریسک بازار*	وضعیت باز ارزی به سرمایه	S_1	گشتاوری حول میانگین

*این اطلاعات با مراجعه به سایت بانک‌های کشور و بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی بانک‌ها جمع‌آوری شده است.

** این اطلاعات بر اساس اقلام صورت مالی بانک‌ها که هر ساله توسط مؤسسه عالی بانکداری منتشر می‌شود، تهیه شده است.

مأخذ: احمدیان(۱۳۹۷)

با توجه به اینکه امکان ارزیابی کیفیت مدیریت به صورت کیفی امکان‌پذیر نبوده است، از نسبت سپرده به تعداد شعب و تسهیلات به تعداد شعب، به عنوان شاخص‌های بهره‌وری و همچنین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

نسبت‌های هزینه به تعداد شعب و هزینه به تعداد نیروی انسانی به عنوان شاخص‌های کارایی برای ارزیابی کیفیت مدیریت استفاده شده است.[۱]

منظور از توزیع بخشی تسهیلات، سهم تسهیلات اعطایی بخش‌های مختلف اقتصادی به کل تسهیلات است. بازده سرمایه حاصل تقسیم سود خالص به سرمایه است، بازده دارایی، نسبت سود خالص به دارایی است. حاشیه سود حاصل تقسیم سود خالص به دارایی درآمدزا است. دارایی درآمدزا شامل تسهیلات اعطایی، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها، اوراق مشارکت، مطالبات از شبکه بانکی است. دارایی‌های نقدشونده مجموع دارایی‌های نقد، اورق مشارکت، مطالبات از شبکه بانکی است. بدهی کوتاه مدت شامل بدهی به بانک مرکزی، بدهی به شبکه بانکی، سپرده جاری و پس‌انداز است.

گام دوم: طراحی معیار حاکمیت شرکتی

در این مقاله برای طراحی معیار حاکمیت شرکتی از روش قاسمی علی‌آبادی و نصیراقدم(۱۳۹۷) استفاده شده است.[۲] بر اساس مدل مطرح شده در مقاله مذکور، سنجه‌های قابل ارزش‌گذاری در سه سطح معرفی شدند تا قابلیت محاسبه شاخص حاکمیت شرکتی در یک بانک را ایجاد نمایند. ابتدا معیارهای سه‌گانه ارزشگذاری (اثربخشی هیأت مدیره، شفافیت و افشا، مسئولیت‌پذیری) معرفی و برای هر معیار تعدادی مؤلفه که در مجموع ۱۷ مؤلفه شناسایی شدند و سپس برای هر مؤلفه تعدادی شاخص قابل ارزش‌گذاری شامل ۱۵۳ شاخص معرفی شدند.

بر مبنای چارچوب کلی مدل ارزیابی مذکور می‌توان با استفاده از مدل ساده ریاضی زیر معیار حاکمیت شرکتی(CGI) را در یک بانک محاسبه نمود:

$$CGI = \alpha 1 * A1 + \alpha 2 * A2 + \alpha 3 * A3$$

---

۱. از تعریف بهره‌وری و کارایی در مقاله سید نورانی وهمکاران ۱۳۹۷ استفاده شده است.

۲. با توجه به اینکه دستورالعمل «الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ تصویب و به بانک‌ها ابلاغ شده است، بنابراین امکان ارزیابی عملکرد بانک‌ها در معیارهای حاکمیت شرکتی برای سال ۱۳۹۷ قابل دستیابی بود. در بهترین حالت فرض شده است که بانک‌ها در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ نیز همانند سال ۱۳۹۷ عمل کرده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

که در این مدل:

α۱ عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره.

A1 عبارتست از ارزش اختصاص یافته برای معیار اثربخشی ساختار هیأت مدیره در بانک.

α۲ عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار شفافیت و افشا.

A2 عبارتست از ارزش اختصاص یافته به معیار شفافیت و افشا در بانک.

α۳ عبارتست از میانگین ضرایب اختصاص داده شده برای معیار مسئولیت پذیری.

A3 عبارتست از ارزش اختصاص یافته برای معیار مسئولیت پذیری در بانک.

همان‌گونه که در مدل مفهومی مطرح شده است به منظور ارزش‌گذاری هرکدام از مؤلفه‌های تعیین شده تعدادی شاخص فرعی بر اساس ادبیات و مستندات موجود معرفی شده است که هر کدام از آنها ارزشی بین صفر تا یک را به خود اختصاص خواهند داد. بر همین اساس ارزش هرکدام از مؤلفه‌های ۱۷گانه به روش زیر محاسبه شده‌اند:

$$A1i = \sum_{j=1}^{49} \mathrm{I}j \qquad A2i = \sum_{k=1}^{79} \mathrm{I}k \qquad A3I = \sum_{n=1}^{25} \mathrm{I}n$$

در واقع با جمع جبری ارزش هر یک از شاخص‌های فرعی (I_jو I_k و I_n) ارزش هر کدام از مؤلفه‌های ۱۷گانه محاسبه خواهند شد.

پس از استخراج ارزش هر کدام از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در بانک مورد نظر بر حسب واحد و میانگین ضرایب اهمیت هر کدام از معیارهای ۳ گانه و مؤلفه‌های ۱۷ گانه بر حسب واحد، می‌توان شاخص حاکمیت شرکتی را بر اساس فرمول CGI در بانک مورد بررسی محاسبه نمود (روش قاسمی علی‌آبادی و نصیر اقدم، ۱۳۹۷).

در این مقاله اگر نمره کسب شده در هر معیار بزرگ‌تر از میانگین نمره قابل قبول باشد، به مفهوم داشتن ساختار حاکمیت شرکتی خوب بوده و در غیراین‌صورت بانک دارای ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف است. میانگین نمره به دلیل اینکه متوسط وضعیت بانک‌های خصوصی را نشان می‌دهد، به عنوان یک پایه مقایسه انتخاب شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

٤. ساختار مدل مورد بررسی مقاله

چهار مدل بر اساس تئوری نمایندگی جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) و ادبیات تجربی آگویلار (۲۰۱۶)، بکلوتی و همکاران (۲۰۱۶)، اینام و مختاری (۲۰۱۵)،آرتینینگسی و همکاران (۲۰۱۱)، روگرز (۲۰۰۸) و ساختار شبکه بانکی ایران برای برآورد طراحی شده است.

$$Y_t^i = \sum_{t=1385}^{t=1397} \beta^i X_t^i + \gamma_1^i goodcorporategovernance^i \quad (۱)$$

$$Y_t^i = \sum_{t=1385}^{t=1397} \beta^i X_t^i + \gamma_2^i effectiveness^i \quad (۲)$$

$$Y_t^i = \sum_{t=1385}^{t=1397} \beta^i X_t^i + \gamma_3^i transparency^i \quad (۳)$$

$$Y_t^i = \sum_{t=1385}^{t=1397} \beta^i X_t^i + \gamma_4^i responsibility^i \quad (۴)$$

متغیر وابسته Y_t^i، بهبود رتبه کملز در دوره t، برای بانک Iام و متغیرهای کنترلی X_t^i مشتمل بر نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی، نسبت اقلام زیر خط به کل دارایی، اندازه دارایی، نرخ رشد سپرده، نسبت سپرده به کل دارایی، سهم تسهیلات از بازار، نسبت تسهیلات اعطایی به دارایی درآمدزا، سن بانک، تورم، رشد تولید ناخالص داخلی، قیمت سهام و نرخ ارز است. متغیرهای کنترلی بر اساس مطالعات تجربی انتخاب شده‌اند. چهار معیار به عنوان متغیرهای توضیحی طراحی شده است که به ترتیب عبارت هستند از معیار خوبی کل حاکمیت شرکتی $goodcorporategovernance^i$، معیار خوبی اثربخشی هیأت مدیره $effectiveness^i$، معیار خوبی شفافیت و افشا $transparency^i$، معیار خوبی مسئولیت‌پذیری $responsibility^i$. هر مدل طراحی‌شده مشتمل بر یکی از معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی است. برای ساخت معیار خوبی حاکمیت شرکتی و اجزای آن، ابتدا میانگین هر یک از معیارهای مذکور برای بانک‌های خصوصی محاسبه شده است. سپس هر معیار برای هر بانک با متوسط آن معیار در بانک‌های خصوصی مقایسه شده است. در انتها یک متغیر مجازی تعریف شده است که بیانگر خوبی است. اگر معیار مورد بررسی دارای ارزش بیش از متوسط ارزش بانک‌های خصوصی باشد، متغیر مجازی مقدار عددی یک اتخاذ می‌کند و در غیراین‌صورت صفر دریافت می‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

علاوه بر این چهار مدل، مدل پنجم نیز مشتمل بر هر سه معیار حاکمیت شرکتی طراحی شد. اما از آنجا که احتمال وجود همخطی بین سه معیار ممکن بود. سعی شد با استفاده از آزمون همخطی از وجود یا عدم وجود هم خطی اطمینان حاصل شود. فرضیه صفر در آزمون هم خطی، بیانگر وجود هم خطی بین متغیرهای مورد بررسی است. آماره Fبرای آزمون همخطی بیانگر مقدار ۱۲/۶۶۰۲۷ با احتمال ۰/۵۹۶۷ است که به مفهوم وجود رابطه خطی بین متغیرهای حاکمیت شرکتی است. بنابراین یک مدل مجزا با وجود همزمان سه متغیر حاکمیت شرکتی برآورد نشد.

با توجه به اینکه یکی از متغیرهای مورد بررسی در این مقاله نرخ ارز است که احتمال شکست ساختاری برای آن وجود دارد، با استفاده از آزمون چاو، به بررسی شکست ساختاری در این متغیر پرداختیم به این ترتیب که برای سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۶ که نرخ ارز با افزایش ناگهانی در نرخ ارز مواجه شد، متغیرهای مجازی در نظر گرفته شد. نتیجه آزمون چاو بیانگر عدم وجود شکست ساختاری است و به همین دلیل شکست ساختاری ارز در مدل وارد نشد. شکست ساختاری برای تورم، تولید ناخالص داخلی و قیمت سهام وجود ندارد.

جدول 3. آزمون شکست ساختاری چاو

آماره‌ها	شکست ساختاری در سال ۱۳۹۱	شکست ساختاری در سال ۱۳۹۶
F-Statistic	۱۵۶/۳۸۶۸ (۰/۵۴۲۳)	۶۷/۹۵۵۶۲ (۰/۸۵۸۲)
Log Likelihood Ratio	۲۳۵/۵۸۶۶ (۰/۶۵۴۳)	۳۸/۰۲۷۴۹ (۰/۱۰۱۳)
Wald Statistic	۲۱/۰۵۱۳۸ (۰/۲۵۱۲)	۱۵/۷۸۴۶۴ (۰/۱۱۱۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

این مقاله به‌دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. آیا رابطه معنی‌دار بین معیارهای حاکمیت شرکتی و بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها وجود دارد؟

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

۲. کدام‌یک از معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی، دارای اهمیت بیشتری در بهبود رتبه نظارت بانکی است؟

۳. آیا وجود معیار خوبی حاکمیت شرکتی می‌تواند دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه نظارتی را برای بانک کاهش دهد؟

برای پاسخ به سؤال‌های فوق، فرضیات زیر مورد آزمون فرار گرفته است.

فرض (۱): معیارهای حاکمیت شرکتی رابطه مثبت با بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارند. برای آزمون این فرض چهار مدل طراحی و به روش پانل برآورد شده است.

فرض (۲): ضریب خوبی کل حاکمیت شرکتی در مدل (۱) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی اثربخشی هیأت مدیره در مدل (۲)دارد.

فرض(۳): ضریب خوبی کل حاکمیت شرکتی در مدل (۱) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی شفافیت و افشا در مدل (۳) دارد.

فرض (۴): ضریب خوبی کل حاکمیت شرکتی در مدل (۱) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی مسئولیت‌پذیری در مدل (۴) دارد.

فرض (۵): ضریب خوبی اثربخشی هیأت مدیره در مدل(۲) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی شفافیت و افشا در مدل (۳) دارد.

فرض (۶): ضریب خوبی اثربخشی هیأت مدیره در مدل (۲) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی مسئولیت‌پذیری در مدل(۴) دارد.

فرض (۷): ضریب خوبی شفافیت و افشا در مدل (۳) اهمیت بیشتری از ضریب خوبی مسئولیت‌پذیری در مدل (۴) دارد.

برای آزمون فروض (۲) تا (۷) از آماره T استفاده شده است.

فرض (۸): وجود معیار خوبی حاکمیت شرکتی می‌تواند دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه نظارتی را برای بانک کاهش می‌دهد. برای آزمون این فرض از روش کاپلان میر استفاده شده است.

ساختار کلی این بخش به شرح زیر است.در گام اول، اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بررسی شده است. در گام دوم، آزمون برابری اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

بررسی شده است و در گام سوم، دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه در صورت رعایت معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی و عدم رعایت آن بررسی شده است.

گام اول: اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی

قبل از انتخاب و برآورد الگو ضروری است نسبت به عدم داشتن ریشه واحد متغیرها اطمینان حاصل شود. تاکنون روش‌های گوناگونی برای آزمون فرضیه ریشه واحد در داده‌های پانل دیتا معرفی شده است که از میان آن‌ها تکنیک، لوین، لین و چو (LLC)[1]، برای آزمون ریشه واحد مشترک[2] و روش ایم پسران و شین (IPS)[3] و همچنین انواع آزمون‌های فیشر[4] برای آزمون ریشه واحد انفرادی استفاده می‌شوند. احتمال‌هایی که برای آزمون‌های لوین، لین و چو و همچنین ایم، پسران و شین محاسبه می‌شود، به صورت مجانبی دارای توزیع نرمال بوده و احتمال‌هایی که برای آزمون‌های فیشر محاسبه می‌شود، به صورت مجانبی دارای توزیع کای دو هستند. نتایج جدول۴ نشان می‌دهد، در سطح معنی‌دار بودن ۵ درصد، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و همه متغیرها به جز ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی، سهم تسهیلات از بازار، سن بانک، تورم، قیمت سهام و نرخ ارز بازار آزاد در سطح مانا هستند. متغیرهای نامبرده با یک‌بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند.

1. Levin, Lin & Chu
2. Common unit root process
3. Im, Pesaran and Shin
4. Fisher type test(ADF-Fisher and PP-Fisher)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

جدول 4. نتیجه آزمون ریشه واحد پانل

متغیرهای مستقل	LLC	IPS	ADF-Fisher	PP-Fisher
ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی*	-۱۱/۳۴۸۱ (۰/۰۰۰)	-۵/۶۴۲۳۶ (۰/۰۰۰)	۷۳/۵۲۰۲ (۰/۰۰۰)	۷۶/۱۲۹۷ (۰/۰۰۰)
اقلام زیر خط به کل دارایی	-۶۶/۶۵۱۲ (۰/۰۰۰)	-۱۰/۲۲۳۰ (۰/۰۰۰)	۵۸/۴۸۱۸ (۰/۰۰۰۶)	۵۵/۵۰۵۷ (۰/۰۰۱۵)
اندازه دارایی	-۸/۵۱۸۰۶ (۰/۰۰۰)	-۲/۳۷۵۱۶ (۰/۰۰۸۸)	۴۱/۳۵۴۶ (۰/۰۴۹۸)	۶۲/۱۶۵۷ (۰/۰۰۰۲)
نرخ رشد سپرده	-۲۴/۸۰۱۲ (۰/۰۰۰)	-۱۵/۶۹۴۴ (۰/۰۰۰)	۱۱۵/۱۵۲ (۰/۰۰۰)	۱۲۱/۸۱۶ (۰/۰۰۰)
سپرده به کل دارایی	-۳۵/۱۷۸۳ (۰/۰۰۰)	-۷/۸۴۷۹۱ (۰/۰۰۰)	۶۴/۵۸۴۴ (۰/۰۰۰۱)	۷۴/۳۳۰۴ (۰/۰۰۰)
سهم تسهیلات از بازار*	-۳۵/۱۷۸۳ (۰/۰۰۰)	-۷/۸۴۷۹۱ (۰/۰۰۰)	۶۴/۵۸۴۴ (۰/۰۰۰۱)	۷۴/۳۳۰۴ (۰/۰۰۰)
تسهیلات اعطایی به دارایی درآمدزا	-۹/۶۳۸۱۲ (۰/۰۰۰)	-۵/۸۰۲۹۳ (۰/۰۰۰)	۷۸/۰۲۰۹ (۰/۰۰۰)	۹۲/۳۱۷۵ (۰/۰۰۰)
سن بانک*	-۶/۰۶۲۹۴ (۰/۰۰۰)	-۲/۶۹۳۸۲ (۰/۰۰۳۵)	۴۷/۹۸۷۶ (۰/۰۱۰۷)	۴۹/۴۴۹۰ (۰/۰۰۷۴)
تورم*	-۳۵/۰۹۵۵ (۰/۰۰۰)	-۱۳/۵۰۷۰ (۰/۰۰۰)	۶۶/۴۷۵۳ (۰/۰۰۰)	۴۴/۱۴۸۴ (۰/۰۰۰۲)
رشد تولید ناخالص داخلی	-۶/۸۶۶۵۶ (۰/۰۰۰)	-۴/۰۶۲۲۷ (۰/۰۰۰)	۶۱/۷۷۸۷ (۰/۰۰۰۱)	۶۸/۷۱۶۹ (۰/۰۰۰)
قیمت سهام*	-۷/۳۱۸۱۵ (۰/۰۰۰)	-۴/۱۹۹۹۶ (۰/۰۰۰)	۵۸/۶۴۴۶ (۰/۰۰۰۶)	۴۳/۱۰۶۷ (۰/۰۳۴۰)
نرخ ارز*	-۹/۳۸۱۴۵ (۰/۰۰۰)	-۷/۰۵۸۵۵ (۰/۰۰۰)	۹۰/۱۴۶۳ (۰/۰۰۰)	۸۹/۶۵۶۳ (۰/۰۰۰)

*این متغیرها با یک‌بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند.

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه برخی از متغیرها در سطح معنی‌دار نیستند، ضروری است از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها اطمینان حاصل شود. به همین منظور از آزمون هم انباشتگی استفاده می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

ایده اصلی در تجزیه و تحلیل هم انباشتگی این است که اگر چه ممکن است برخی از متغیرها نامانا باشند، اما ممکن است در بلندمدت ترکیب خطی این متغیرها، مانا باشند. برای بررسی وجود هم‌جمعی در الگوی پانل دیتا آزمون‌های مختلفی از جمله آزمون کائو[1]، آزمون پدرونی[2] و آزمون فیشر[3] وجود دارد. از آنجا که انجام آزمون پدرونی به دلیل زیاد بودن تعداد متغیّرهای الگو و آزمون فیشر به علت ناکافی بودن داده‌ها امکان‌پذیر نیست، بنابراین در این پژوهش برای اثبات کاذب نبودن رگرسیون، آزمون هم‌جمعی کائو انجام می‌گیرد. نتایج آزمون کائو وجود هم‌جمعی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که متغیّرهای مستقل مورد بررسی با متغیّر وابسته هم‌جمع بوده و روابط بلندمدت تعادلی میان آن دو برقرار است. بنابراین متغیرهای مستقل در سطح وارد مدل مورد نظر مقاله می‌شوند.

جدول ۵. نتیجه آزمون هم انباشتگی کائو

آماره t	مقدار احتمال
-۳/۸۴۹۶۷۶	۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

برای انتخاب نوع الگوی برآورد مدل داده‌های تابلویی، ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر، مشخص می‌شود که رابطه رگرسیونی در نمونه مورد بررسی دارای عرض از مبدأهای ناهمگن و شیب همگن است یا اینکه فرضیه عرض از مبدأهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع(مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. بر اساس این آزمون ابتدا مدل را به صورت نامقید و در حالت کلی با عرض از مبدأهای مشترک و شیب‌های مشترک برآورد نموده و مقدار پسماندهای رگرسیون را محاسبه می‌کنیم، سپس مدل را به صورت مقیّد و با فرض عرض از مبدأهای ناهمگن در بین مقاطع و شیب‌های مشترک تخمین می‌زنیم و مقادیر پسماند مقید را به‌دست می‌آوریم.

در صورتی‌که مقدار F محاسبه شده از F جدول با درجات آزادی مشخص شده بزرگ‌تر باشد فرضیه H0 مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبدأهای یکسان رد می‌شود و لذا اثرهای گروه پذیرفته شده و می‌بایستی عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود در نتیجه می‌توان از روش پانل

1. Kao
2. Perdoni
3. Fisher

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

جهت برآورد استفاده کرد ولی در صورتی که فرضیه H0 پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب‌ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده‌ها و استفاده از مدل از داده‌های تلفیقی مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد. در این مقاله با توجه به آمارهF، برای تمامی مدل‌های مورد بررسی، روش داده‌های تلفیقی مورد پذیرش قرار گرفته است.

جدول ۶. آزمون F لیمر

مدل‌ها	Cross-section F	Cross-section Chi-square
مدل (۱) مشتمل بر معیار خوبی کل حاکمیت شرکتی	۰/۷۶۰۹۰۰ (۰/۶۹۷۸)	۱۲/۵۳۶۶۴۵ (۰/۴۸۴۲)
مدل (۲) مشتمل بر معیار خوبی اثربخشی هیأت مدیره	۰/۷۸۶۶۸۲ (۰/۶۷۱۷)	۱۲/۹۳۶۲۷۸ (۰/۴۵۲۷)
مدل (۳) مشتمل بر معیار خوبی شفافیت و افشا	۱۰/۱۳۱۴۶ (۰/۴۴۷۵)	۱۶/۳۸۲۸۲۶ (۰/۲۲۹۱)
مدل (۴) مشتمل بر معیار خوبی مسئولیت‌پذیری	۱/۰۲۳۱۶۸ (۰/۴۳۸۳)	۱۶/۵۳۲۷۶۷ (۰/۲۲۱۶)

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از انتخاب روش برآورد مدل‌های مورد نظر مقاله به روش داده‌های تلفیقی به شرح جدول۷ برآورد می‌شوند.

مهمترین معیارهای مورد بررسی این مقاله، اثر معیارهای خوبی کل حاکمیت شرکتی، خوبی اثربخشی هیأت مدیره، خوبی شفافیت و افشا و خوبی مسئولیت‌پذیری است. معیار خوبی کل حاکمیت شرکتی مشتمل بر رعایت مقررات اثربخشی هیأت مدیره، شفافیت و افشا و مسئولیت‌پذیری است. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، این معیار دارای علامت مثبت و معنی‌دار است. حاکمیت شرکتی قوی، می‌تواند منجر به بهبود اعتماد بازار نسبت به توانایی یک بانک برای مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های آن شود. به‌علاوه حاکمیت شرکتی قوی، در واحدهایی که نقش مهمی را در نظام مالی ایفا می‌کنند، نظیر سیستم‌های تسویه حساب و نقل و انتقالات بانکی، می‌تواند ریسک‌های این سیستم‌ها را جذب نموده و مانع انتقال آن به سایر بخش‌های بانکداری گردد. همچنین حاکمیت شرکتی خوب به حفظ منافع سپرده‌گذاران کمک نموده و به ناظران این امکان را می‌دهد تا به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

فرآیندهای داخلی بانک اعتماد بیشتری داشته باشند. به این ترتیب پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی و تلاش بانک‌ها برای برقراری حاکمیت شرکتی خوب، می‌تواند ضمن بهبود سلامت و ثبات بانک‌ها، به بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها نیز کمک نماید.

معیار اثربخشی هیأت مدیره مشتمل بر موارد ترکیب هیأت مدیره، شرایط احراز و انتخاب، سازمان و ارزیابی هیأت مدیره، ویژگی‌های رئیس هیأت مدیره، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، ویژگی‌های کمیته عالی مدیریت ریسک، واحد مدیریت ریسک و مدیر ارشد ریسک، ویژگی‌های کمیته رعایت قوانین و مقررات(تطبیق)، واحد تطبیق و مدیر ارشد تطبیق، و ویژگی‌های کمیته جبران خدمات است. هیأت مدیره نقش محوری و اساسی در ایجاد و استقرار یک حاکمیت شرکتی مؤثر در جهت تحقق اهداف بانک و در راستای منافع ذی‌نفعان بانک ایفا می‌نمایند. در این میان هیأت مدیره را می‌توان قلب استراتژیک بانک برای تحقق اهداف حاکمیت شرکتی و سلامت بانک دانست، زیرا که یک هیأت مدیره کارآمد با داشتن اعضای متخصص و توانمند به‌همراه یک ساختار مناسب، شفاف و پاسخگو در تصمیم‌گیری بانک، می‌تواند اداره بانک را به نحو مطلوب انجام دهد. سهام‌داران به‌منظور نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی، هیأت مدیره را انتخاب می‌کنند. به‌لحاظ تئوری، هدف از تشکیل هیأت مدیره برطرف کردن مشکلات نمایندگی است که به‌دلیل جدایی مالکیت از کنترل تصمیم‌گیری ناشی می‌شود[1]. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود رابطه منفی و معنی‌دار بین معیار خوبی هیأت مدیره در بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها است. علامت منفی به دلایل ادامه است. در بانک‌های کشور هیأت مدیره مسئولیت مدیریت اجرایی را نیز بر عهده دارند، از طرف دیگر در انتخاب هیأت مدیره به شرایط احراز کمتر توجه می‌شود. هیأت مدیره کمتر مورد ارزیابی قرار گرفته و سایر موارد نیز در مراحل ابتدایی است.

معیار شفافیت و افشا، مشتمل بر موارد زیر است. افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات مربوط به مدیریت ریسک، افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی، افشای رویدادهای با اهمیت. ساختار سازمانی و اداره بانک هر چقدر هم بر اساس رویه‌ها و ساز و کارهای

---

۱. معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۵)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

استاندارد شکل گرفته باشد و مبتنی بر آن فعالیت نماید، در نبود شفافیت و افشاسازی نمی‌توان انتظار کارآمدی لازم و تحقق اهداف حاکمیت شرکتی را داشت. زیرا یکی از محورهای اساسی حاکمیت شرکتی، جلوگیری از ضایع‌شدن حقوق ذی‌نفعان (سپرده‌گذاران، سهام‌داران و تسهیلات‌گیرندگان و...) است و این مهم بدون وجود شفافیت و اطلاع یافتن از وضعیت بانک و تصمیمات اتخاذ شده در خصوص فعالیت بانک و افشای آن میسر نیست.[۱] شبکه بانکی کشور بر اساس آیین‌نامه افشای اطلاعات ملزم به رعایت این اصل هستند که بانک‌های خصوصی کشور با توجه به عرضه سهام در بازار بورس به‌صورت اسناد مجزا، سند افشای اطلاعات را منتشر می‌کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود این معیار دارای رابطه مثبت و معنی‌دار است.

مسئولیت‌پذیری در این پژوهش مشتمل بر رعایت مسئولیت اقتصادی، رعایت مسئولیت قانونی، رعایت مسئولیت اخلاقی، رعایت مسئولیت بشردوستانه، رعایت مسئولیت شرعی است. رعایت هر یکی از این قواعد می‌تواند ریسک ناشی از عدم تطابق با قوانین داخلی، مسائل اخلاقی و عدم رعایت مسائل شرعی را کاهش داده و به حفظ سلامت بانک کمک نماید. انتظار بر این است که مسئولیت‌پذیری نیز همانند سایر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی اثر مثبت بر رتبه نظارتی بانک‌ها داشته باشد که نتایج مندرج در جدول ۷ این مورد را تأیید نمی‌کند. رابطه معنی‌دار بین خوبی معیار مسئولیت‌پذیری و رتبه نظارتی وجود ندارد. از جمله دلایل آن می‌توان به تعریف کمتر روشن از مسئولیت‌های مختلف مذکور اشاره نمود. این معیار کمتر از سایر موارد مورد توجه سهامداران است. بنابراین کمتر مورد سنجش قرار گرفته و کمتر رعایت می‌شود.

یکی از شاخص‌های سلامت بانک‌ها که به نوعی ریسک اعتباری بانک را نشان می‌دهد، نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی است. میزان و نحوه ذخیره‌گیری باید به‌گونه‌ای باشد که کلیه زیان‌های ممکن بر آن دارایی را پوشش دهد، وگرنه بانک در آینده با مشکل مواجه خواهد شد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، علامت نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی مثبت است. با وجود اینکه با افزایش این نسبت بخشی از منابع بانک، بلا استفاده می‌ماند،

---

۱. همان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

اما از آنجا که بانک‌های خصوصی کشور در سال‌های اخیر، علی‌رغم شرایط رکودی، رفتار ریسک‌پذیرانه‌تری در مقایسه با سایر گروه‌های بانکی داشته و بیش از سایر بانک‌ها در عرضه تسهیلات فعال بوده‌اند، بنابراین در شرایط رکودی بیش از سایر بانک‌ها در معرض افزایش ریسک اعتباری قرار گرفته‌اند. در نتیجه افزایش این نسبت می‌تواند به‌نوعی تضمین‌کننده سلامت و ثبات بانک بوده و به همین دلیل با افزایش این نسبت، رتبه نظارتی بانک‌های خصوصی بهبود می‌یابد.

اقلام خارج از ترازنامه، بخش عمده‌ای از کسب و کار بانک را تشکیل داده و اثر عمده‌ای بر میزان ریسکی دارند که یک بانک در معرض آن است. این اقلام شامل ذخایر و بدهی‌های احتمالی بوده و حسب مورد ذخیره لازم برای بدهی‌های احتمالی ناشی از آنها گرفته می‌شود، در اغلب بانک‌های کشور، ذخیره لازم، به شکل کنارگذاری مبلغی از سود، برای زیان‌های بالقوه ناشی از اقلام خارج ترازنامه پیش‌بینی و در نظر گرفته نمی‌شود. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، افزایش نسبت اقلام خارج از ترازنامه به کل دارایی، به دلیل اینکه می‌تواند ریسک اقلام زیر خط را برای بانک افزایش دهد، احتمال اینکه بانک در رتبه بهتر قرار گیرد، کاهش می‌یابد.

سپرده‌ها از جمله منابع پایدار بانک‌ها هستند که افزایش آن در سبد بدهی از یک طرف ریسک نقدینگی بانک را به دلیل افزایش منابع بانک، کاهش می‌دهد و از طرف دیگر به دلیل اینکه به بخشی از آن نرخ بهره تعلق می‌گیرد، می‌تواند هزینه بهره‌ای بانک را افزایش داده و سودآوری بانک را تحت تأثیر قرار دهد. اما به دلیل بهبود قدرت وام‌دهی بانک‌ها ناشی از بهبود منابع، درآمد بانک نیز ناشی از افزایش دارایی درآمدزا افزایش خواهد یافت. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، علامت ضرایب نرخ رشد سپرده و نسبت سپرده به کل دارایی برای همه مدل‌ها مثبت است. به این مفهوم که افزایش نرخ رشد سپرده و نسبت سپرده به دارایی، احتمال اینکه بانک در رتبه بهتر قرارگیرد را افزایش می‌دهد.

علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود افزایش سهم تسهیلات از بازار و نسبت تسهیلات به دارایی درآمدزا، باعث بهبود سودآوری بانک‌های خصوصی کشور شود، اما با توجه به شرایط رکودی حاکم بر کشور، افزایش عرضه تسهیلات، ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش داده و اثر منفی بر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

بهبود رتبه بانک‌ها دارد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، رشد تولید ناخالص داخلی نیز اثر منفی بر بهبود رتبه بانک‌های خصوصی داشته است.

علامت منفی سن بانک بیانگر این است که با افزایش عمر بانک، بانک بیشتر در معرض خطر قرار گرفته و بهبود رتبه بانک صورت نمی‌گیرد. اگر چه به نظر می‌رسد، افزایش سن بانک باعث شود، در مدیریت ریسک بهتر عمل نماید، اما تجربه بانک‌های خصوصی با قدمت بیشتر بیانگر این است که بیش از سایر بانک‌ها ریسک‌پذیر بوده و حتی در شرایط رکودی نیز بیش از سایر بانک‌ها، مسئولیت تأمین مالی بخش تولید را برعهده داشته‌اند، به‌طوری‌که بیش از سایر بانک‌ها با ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی همراه هستند. با توجه به فقدان مکانیسم مناسب برای شناسایی مشتریان و مدیریت ریسک نقدینگی در شبکه بانکی کشور، افزایش سن بانک به‌جای کمک به بهبود رتبه نظارتی بانک، باعث کاهش رتبه نظارتی بانک می‌شود.

افزایش تورم باعث می‌شود، احتمال اینکه بانک در رتبه بهتر قرارگیرد، افزایش یافته و احتمال کاهش رتبه بانک‌ها نیز کاهش یابد. در واقع وجود یک سیستم تأمین مالی ناکارآمد در شبکه بانکی کشور، باعث شده است، افزایش تورم اثر مثبت بر بهبود رتبه بانک‌ها داشته باشد. برای نجات از این وضعیت، لازم است، شفافیت مالی بانک‌ها افزایش یافته و از ابزارهای نوین بانکی و بازار بین بانکی در این ارتباط استفاده شود.

قیمت سهام و نرخ ارز رابطه منفی با بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارند. اگر چه افزایش قیمت سهام می‌تواند باعث بهبود سرمایه‌گذاری بانک‌ها و سودآوری آنها شود اما نوسانات قیمت سهام، دارایی بانک‌ها را می‌تواند در معرض ریسک ناشی از نوسانات قیمت سهام قرار دهد. از طرف دیگر نرخ ارز نیز می‌تواند از جنبه‌های مختلف بانک را در معرض نوسانات ناشی از تغییرات نرخ ارز قرار داده و اثر منفی بر بهبود رتبه نظارتی بانک داشته باشد. اگرچه می‌تواند سودآوری را بهبود بخشد اما به دلیل افزایش ریسک بانک ناشی از نوسانات نرخ ارز، می‌تواند اثر منفی بر رتبته نظارتی بانک‌ها داشته باشد. مشارکت بانک‌ها در فعالیت‌هایی نظیر اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه ارزی، آنها را در معرض ریسک بلندمدت ارز و مشارکت در فعالیت‌هایی نظیر خرید و فروش ارز آنها را در معرض ریسک کوتاه‌مدت ارز قرار خواهد داد. عدم توجه به مدیریت مناسب و تناسب ریسک و بازده سبد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

سرمایه‌گذاری در بازار سهام و بازار ارز می‌تواند حساسیت به ریسک بازار بانک‌های کشور به‌خصوص بانک‌های خصوصی کشور که جامعه آماری این مقاله را تشکیل می‌دهند، تشدید نماید.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل‌ها

متغیرهای مستقل	مدل(۱)	مدل(۲)	مدل(۳)	مدل(۴)
ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی	۰/۰۹۷۲۶۰ (۱/۸۱۱۲۸۷) [۰/۰۱۴۵]	۰/۰۹۵۴۰۴ (۱/۹۰۲۸۴۹) [۰/۰۱۸۶]	۰/۱۰۰۱۷۱ (۱/۵۵۶۰۵) [۰/۰۹۳۹]	۰/۱۱۶۷۴۴ (۱/۷۱۲۷۴۱) [۰/۰۲۸۳]
اقلام زیر خط به کل دارایی	-۸/۳۴۰۰۰۵ (-۲/۲۸۰۸۵۸) [۰/۰۵۹۴]	-۸/۲۵۰۹۰۵ (-۲/۳۰۳۹۲۱) [۰/۰۳۱۹]	-۱/۶۱۰۰۰۵ (-۲/۰۴۶۷۷۵) [۰/۰۴۲۸]	-۰/۰۰۰۱۴۲ (-۲/۵۳۷۰۲۸) [۰/۰۳۲۵]
اندازه دارایی	۰/۰۰۳۴۱۳ (۲/۰۳۱۰۵۱) [۰/۰۴۵۳]	۰/۰۰۰۳۸۹ (۲/۰۰۳۹۲۸) [۰/۰۴۶۹]	۰/۰۰۷۵۲۳ (۲/۰۶۸۸۲۹) [۰/۰۴۵۳]	۰/۰۵۹۸۵۰ (۲/۶۱۴۲۹۲) [۰/۰۴۰۵]
نرخ رشد سپرده	۰/۰۰۰۲۸۰ (۱/۷۰۳۶۸۲) [۰/۰۱۸۲]	۰/۰۰۰۲۷۹ (۱/۸۰۵۷۱۲) [۰/۰۱۷۲]	۰/۰۰۰۲۹۹ (۱/۷۵۷۵۴۲) [۰/۰۲۳۰]	۰/۰۰۰۲۸۰ (۱/۸۰۹۴۲۳) [۰/۰۱۵۴]
سپرده به کل دارایی	۰/۰۰۲۴۶۲ (۱/۷۳۱۰۴۰) [۰/۰۶۶۶]	۰/۰۰۳۱۳۳ (۱/۸۹۱۹۹۸) [۰/۰۳۴۷]	۰/۰۰۲۴۳۸ (۱/۷۳۰۵۵۶) [۰/۰۴۶۹]	۰/۰۰۲۸۶۶ (۱/۸۴۳۲۱۳) [۰/۰۴۱۳]
سهم تسهیلات از بازار	-۰/۰۰۰۲۰۰ (-۲/۰۲۱۳۶۷) [۰/۰۵۳۰]	-۰/۰۰۱۰۰۷ (-۲/۱۰۷۳۷۱) [۰/۰۱۴۷]	۰/۰۰۰۵۳۷ (-۱/۰۵۶۷۴۸) [۰/۰۵۴۹]	-۰/۰۰۰۶۸۳ (-۲/۰۷۳۱۸۸) [۰/۰۴۱۸]
تسهیلات اعطایی به دارایی درآمدزا	-۰/۰۰۴۱۰۳ (-۲/۱۹۷۸۱۵) [۰/۰۳۴۱]	-۰/۰۰۴۳۸۶ (-۲/۲۸۹۷۶۰) [۰/۰۵۰۴]	-۰/۰۰۴۰۱۸ (-۲/۲۰۲۸۴۶) [۰/۰۳۲۱]	-۰/۰۰۳۴۵۷ (-۲/۰۳۴۵۱۴) [۰/۰۳۳۶]
سن بانک	-۰/۰۰۹۹۵۶ (-۱/۹۴۸۱۶۲) [۰/۰۴۵۵]	-۰/۰۱۰۵۰۸ (-۱/۷۱۰۰۱۷) [۰/۰۱۵۱]	-۰/۰۱۰۸۰۱ (-۱/۸۳۳۵۳۰) [۰/۰۳۴۱]	-۰/۰۱۳۵۱۷ (-۱/۹۱۳۵۴۴) [۰/۰۲۸۰]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

متغیرهای مستقل	مدل(۱)	مدل(۲)	مدل(۳)	مدل(۴)
تورم	-۰/۰۱۱۰۲۶ (-۲/۲۱۲۶۸۰) [۰/۰۲۸۴]	-۰/۰۱۱۷۳۹ (-۲/۳۱۶۲۳۰) [۰/۰۱۱۴]	-۰/۰۱۰۷۷۴ (-۲/۲۳۱۲۸۴) [۰/۰۲۱۴]	-۰/۰۰۸۵۵۲ (-۲/۹۶۷۳۸۴) [۰/۰۳۵۹]
رشد تولید ناخالص داخلی	-۰/۰۰۹۷۵۶ (-۲/۴۳۰۴۴۶) [۰/۰۶۷۹]	-۰/۰۱۱۷۴۰ (-۲/۵۲۴۱۰۵) [۰/۰۵۱۵]	-۰/۰۰۸۵۹۹ (-۲/۳۹۴۳۸۱) [۰/۰۴۴۲]	-۰/۰۰۳۷۷۹ (-۲/۱۷۰۲۵۰) [۰/۰۶۵۲]
قیمت سهام	-۵/۸۴۰۰۰۶ (-۱/۹۴۱۸۰۸) [۰/۰۴۸۸]	-۵/۴۸۹۸۰۶ (-۱/۸۹۹۰۷۰) [۰/۰۳۷۱]	-۴/۹۷۰۰۰۶ (-۱/۹۸۸۲۰۶) [۰/۰۲۵۶]	-۷/۳۲۰۰۰۶ (-۱/۸۰۲۹۷۳) [۰/۰۳۲۱]
نرخ ارز	۲/۱۰۰۰۰۵ (۲/۱۳۰۹۳) [۰/۰۲۸۶]	۲/۰۲۳۴۰۵ (۲/۰۸۱۱۲۹) [۰/۰۳۲۵]	۲/۱۹۰۰۰۵ (۲/۱۸۲۲۶۹) [۰/۰۴۰۱]	۲/۵۱۰۰۰۵ (۲/۳۳۳۰۶۴) [۰/۰۱۵۸]
خوبی کل حاکمیت شرکتی	۰/۰۲۷۳۹۸ (۲/۳۳۹۵۰۷) [۰/۰۳۵۰]	.....	.....	.....
خوبی اثربخشی هیأت مدیره	.....	-۰/۰۹۳۹۹۳ (-۲/۷۳۸۸۲۴) [۰/۰۴۱۹]	.....	.....
خوبی شفافیت و افشا	.....	.....	۰/۱۰۴۱۸۷ (۲/۵۱۱۴۱۸) [۰/۰۱۰۳]	.....
خوبی مسئولیت‌پذیری	.....	.....	.....	-۰/۱۴۷۸۵۰ (-۱/۰۸۶۱۷۷) [۰/۰۳۳۸]
R-Squared	۰/۷۳۹۶۷۲	۰/۷۴۳۶۷۵	۰/۸۴۱۰۳۶	۰/۸۴۴۳۴۲
Adjusted R-squared	۰/۶۲۷۴۵۵	۰/۷۳۱۹۸۰	۰/۸۲۸۹۹۷	۰/۷۳۲۷۳۵
D-W stat	۲/۲۹۴۳۸۴	۲/۳۰۱۸۹۶	۲/۲۹۷۲۱۰	۲/۳۰۲۷۱۸

*اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره Tو اعداد داخل کروشه معنی‌دار بودن را نشان می‌دهند.

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

گام دوم: آزمون برابری اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی

پس از برآورد مدل، برای پاسخ به سؤال دوم، مبنی بر اینکه کدام‌یک از معیارهای خوبی، دارای اهمیت بیشتری در بهبود رتبه نظارت بانکی است آزمون فروض (۲) تا (۷)، با توجه یه نرمال بودن توزیع دو جامعه از آماره Tو آزمون برابری ضرایب استفاده شده است.

جدول ۸. آزمون برابری اهمیت معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی

فرض	آماره T	احتمال	نتایج
فرض (۲)	۱/۸۳۸۹۷۶	۰/۴۳۵۶	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد
فرض(۳)	۲/۶۷۵۴۸۹	۰/۹۸۷۶	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد
فرض(۴)	۱/۹۰۸۵۳۴	۰/۶۷۳۲	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد
فرض(۵)	۳/۹۰۴۳۵۶	۰/۲۳۴۵	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد
فرض(۶)	۱/۵۶۴۰۰۹	۰/۳۴۹۸	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد
فرض(۷)	۲/۷۸۶۵۱۲	۰/۲۰۰۴	فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد

منبع: یافته‌های پژوهش

عدم رد فرضیه صفر در فروض (۲)، (۳) و (۴)، بیانگر اهمیت بیشتر خوبی معیار کل حاکمیت شرکتی در مقایسه با معیارهای خوبی اثربخشی هیأت مدیره، خوبی افشا و شفافیت و خوبی مسئولیت‌پذیری است. به این ترتیب اجرای کامل معیارهای حاکمیت شرکتی در مقایسه با اجرای برخی از بندهای آن، اثر بیشتری در بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارد. همچنین عدم رد فرضیه صفر در فروض (۵) و (۶) نیز بیانگر اهمیت بیشتر معیار خوبی اثربخشی هیأت مدیره در مقایسه با معیارهای خوبی شفافیت و افشا و خوبی مسئولیت‌پذیری است. همچنین رد فرضیه صفر در فرض (۷) بیانگر این است که معیار خوبی شفافیت و افشا در مقایسه با معیار خوبی مسئولیت‌پذیری اثر بیشتری در بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

گام سوم: مدت زمانی دستیابی به بهبود رتبه

آنچه در این مقاله مهم است، پاسخ به این سؤال است که آیا وجود معیار خوبی حاکمیت شرکتی می‌تواند دوره زمانی دستیابی به بهبود رتبه نظارتی را برای بانک کاهش دهد؟ برای پاسخ به این سؤال و آزمون فرض(۸) از روش کاپلان میر استفاده شده است. ساختار کلی مدل کاپلان میر به صورت معادله ۱ است.

$$time\ variable = status\ variable + \sum_{i=1}^{n} Factor\ variables \qquad (۱)$$

Time variable یک متغیر پیوسته است که نشان می‌دهد، پس از چند دوره بانک با بهبود رتبه مواجه شده است. status variable، متغیر وضعیت است که به‌صورت یک متغیر مجازی تعریف شده است و اگر اقتصاد در رونق اقتصادی باشد، مقدار عددی یک و در غیراین‌صورت مقدار عددی صفر اتخاذ می‌کند. Factor Variable، نشانگر معیارهای خوبی کل حاکمیت شرکتی، خوبی اثربخشی هیأت مدیره، خوبی شفافیت و افشا و خوبی مسئولیت‌پذیری است. از آنجا که جامعه آماری این مقاله، بانک‌های خصوصی هستند، بنابراین متغیرطبقه‌بندی یا گروه‌بندی[1] که بیانگر متغیری است که می‌تواند بانک‌ها را گروه‌بندی کند، در این مقاله تعریف نشده است.

نتایج جدول ۹ بیانگر این است که اگر یک بانک همه معیارهای حاکمیت شرکتی را رعایت کند و با خوبی کل حاکمیت شرکتی مواجه باشد، آنگاه در مدت‌زمان کمتری در مقایسه با عدم برقراری معیار خوبی حاکمیت شرکتی با بهبود رتبه مواجه خواهد شد. از طرف دیگر رعایت کل اصول حاکمیت شرکتی در مقایسه با اجرای برخی از بندها، باعث می‌شود، بانک در مدت‌زمان کمتری با بهبود رتبه نظارتی مواجه شود. مقایسه نتایج مربوط به معیارهای خوبی اثربخشی هیأت مدیره، شفافیت و افشا و مسئولیت‌پذیری بیانگر اهمیت معیار خوبی اثربخشی هیأت مدیره در مقایسه با سایر موارد است. زیرا که با برقراری این معیار، بانک در مدت زمان کمتری به بهبود رتبه نظارتی دست خواهد یافت. مقایسه نتایج مربوط به خوبی شفافیت و افشا و خوبی مسئولیت‌پذیری بیانگر

1. Stratification

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

اهمیت بیشتر خوبی شفافیت و افشا در مقایسه با خوبی مسئولیت‌پذیری است. این نتایج مؤید نتایج مربوط به جدول آزمون برابری معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی است.

جدول ۹. برآورد متوسط زمان بقا کاپلان میر برای بانک‌ها

معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی	متغیرمجازی خوبی	تخمین زمان احتمالی (سال)	انحراف استاندارد	سطح اطمینان ۹۵٪	
				کران بالا	کران پایین
خوبی کل حاکمیت شرکتی	اگر بانک با خوبی همراه باشد	۶	۲/۱۲۱	۱/۸۴۲	۱۰/۱۵۸
	اگر بانک با خوبی همراه نباشد	۸/۲۸۴	۰/۵۵۰	۷/۲۰۶	۹/۳۶۲
خوبی اثربخشی هیأت مدیره	اگر بانک با خوبی همراه باشد	۶/۵	۲/۴۷۵	۱/۶۴۹	۱۱/۳۵۱
	اگر بانک با خوبی همراه نباشد	۸/۲۸۴	۰/۵۵۰	۷/۲۰۶	۹/۳۶۲
خوبی شفافیت و افشا	اگر بانک با خوبی همراه باشد	۷/۴۰۶	۰/۷۵۵	۵/۹۲۶	۸/۸۸۷
	اگر بانک با خوبی همراه نباشد	۹/۵	۰/۴۵۶	۸/۶۰۵	۱۰/۳۹۵
خوبی مسئولیت‌پذیری	اگر بانک با خوبی همراه باشد	۷/۹۷۶	۰/۶۲۵	۶/۷۵۲	۹/۲۰۱
	اگر بانک با خوبی همراه نباشد	۸/۸۳۳	۱/۰۶۵	۶/۷۴۶	۱۰/۹۲۱

منبع: یافته‌هاپژوهش

پس از برآورد الگو به روش کاپلان میر، از آزمون‌های آماری استاندارد (لگاریتم رتبه[1]، آزمون برسلو[2]، آزمون تارون- وار[3]) برای مقایسه اختلاف میان گروه‌ها انجام می‌شود. لگاریتم رتبه، آزمون برابری تابع بقا با وزن‌دهی مشابه به همه دوره‌ها است. آزمون برسلو آزمون برابری تابع بقا با وزن‌دهی به همه زمان‌ها با در نظر گرفتن تعداد مشاهدات در معرض خطر در هر زمان می‌باشد. آزمون تارون- وار آزمون برابری تابع بقا وزنی با به‌کارگیری ریشه مربعات تعداد مشاهدات در معرض خطر در هر لحظه از زمان می‌باشد. نتایج در جدول ۱۰ نشان داده شده است. سه آزمون انجام شده در سطح ۵٪ معنی‌دار بوده و بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار در وضعیت برقراری حاکمیت شرکتی خوب در مقایسه

1. Log rank
2. Breslow
3. Tarone-Ware

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

با وضعیت عدم برقراری حاکمیت شرکتی خوب است. آماره‌ها بیانگر توزیع کای دو هستند. اعداد داخل پرانتز معنی‌دار بودن را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. آزمون برابری میانگین دوره زمان بقا

مدل‌ها	لگاریتم رتبه	برسلو	تارون-وار
خوبی کل حاکمیت شرکتی	۲/۸۷۵ (۰/۰۵۰)	۳/۲۱۱ (۰/۰۳۷)	۳/۱۲۳ (۰/۰۲۷)
خوبی اثربخشی هیأت مدیره	۱/۲۰۷ (۰/۰۲۸)	۱/۵۳۰ (۰/۰۲۵)	۱/۳۴۰ (۰/۰۴۵)
خوبی شفافیت و افشا	۰/۲۴۷ (۰/۰۱۹)	۰/۸۲۰ (۰/۰۵۳)	۰/۵۲۰ (۰/۰۴۱)
خوبی مسئولیت‌پذیری	۰/۶۲۰ (۰/۰۳۱)	۰/۲۳۷ (۰/۰۲۷)	۰/۴۰۶ (۰/۰۲۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

٦. نتیجه‌گیری و بحث

حاکمیت شرکتی خوب، نقش بسزایی در بهبود سلامت و ثبات بانک‌ها دارد. به‌طوری‌که ساختارهای ضعیف اداره بانک می‌تواند ضمن تضییع حقوق ذی‌نفعان، ریسک‌های پیش‌روی بانک را به کل اقتصاد نیز تسری بخشد. در این میان، تحقق اصول حاکمیت شرکتی خوب در بانک می‌تواند مانع سرایت مشکلات درون سازمانی بانک به شبکه بانکی و کل اقتصاد شده و مسائل پیش‌روی بانک را به‌خوبی حل نماید. یکی از روش‌های ارزیابی عملکرد بانک‌ها توسط ناظران بانکی، تعیین رتبه نظارتی است. اجرا و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی خوب، ضمن کمک به ناظر بانکی، جهت ارزیابی مستمر از ریسک‌های بانک و عملکرد آن، ریسک‌های اولویت‌دار را شناسایی کرده و مانع سرایت آنها به سایر بانک‌ها و به کل اقتصاد می‌شود. به این ترتیب می‌تواند به بهبود رتبه نظارتی بانک کمک نماید.

در شبکه بانکی کشور، الزامات پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی به بانک‌ها ابلاغ شده و بر اساس لوایح قانون پولی و بانکی کشور، مسئولیت نظارت بر سلامت بانک‌ها بر عهده بانک مرکزی است. یکی از روش‌های نظارت بر سلامت بانک‌ها، تعیین رتبه نظارتی است که می‌تواند تحت تأثیر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

معیارهای حاکمیت شرکتی، قرار گیرد. انتظار بر این است بهبود معیارهای حاکمیت شرکتی بتواند، ضمن کنترل ریسک‌های پیش‌روی بانک‌ها و مدیریت مناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها، منافع ذینفعان را تضمین نموده و رتبه نظارتی با بهبود بخشد.

در این مقاله با توجه به اهمیت تأثیرپذیری رتبه نظارتی بانک‌ها از اصول حاکمیت شرکتی، اثر حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بانک‌ها بررسی شده است. برای طراحی معیار حاکمیت شرکتی، از مطالعه قاسمی و نصیری اقدم(۱۳۹۷) و برای رتبه‌بندی نظارتی بانک‌ها از مطالعه احمدیان (۱۳۹۷) بهره گرفته شده است. علاوه بر آن معیار خوبی حاکمیت شرکتی تعریف شده است که بر اساس آن اگر یک بانک در هریک از معیارهای حاکمیت شرکتی بهتر از متوسط بانک‌های خصوصی بود، متغیر مجازی خوبی حاکمیت شرکتی، عدد یک اتخاذ می‌کند و در غیراین‌صورت عدد صفر اتخاذ می‌کند.

این مطالعه نکاتی را مدنظر قرار داده است که آن را از سایر مطالعه‌های داخلی و خارجی متمایز می‌سازد. در این مقاله معیار خوبی حاکمیت شرکتی طراحی شده و اثر معیار خوبی حاکمیت شرکتی به‌جای اثر هریک از معیارها بر رتبه نظارتی بررسی شده است. در این مقاله به‌جای معیارهای سلامت از رتبه نظارتی استفاده شده است. علاوه بر آن، برابری اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی مورد آزمون قرار گرفته است و درجه اهمیت هر یک مشخص شده است در حالی‌که در سایر مطالعه‌ها این نکته مفقود مانده است. همچنین مدت زمان دستیابی به بهبود رتبه بانک‌ها در صورت رعایت معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی اندازه‌گیری شده است.

بررسی اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بر رتبه نظارتی بیانگر تأثیر مثبت معیار افشای اطلاعات و تأثیر منفی معیارهای هیأت مدیره و مسئولیت‌پذیری بوده است که این نتیجه با نتایج مطالعه‌های آگویلار(۲۰۱۶)، بکلوتی و همکاران(۲۰۱۶)، رحیمیان و همکاران (۱۳۹۲)و طبائی‌زاده فشارکی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. آزمون برابری اثر معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی بیانگر اهمیت بیشتر اثربخشی هیأت مدیره در مقایسه با سایر معیارهای خوبی است. همچنین هر چه یک بانک بیشتر اصول حاکمیت شرکتی را رعایت کند و به‌عبارت دیگر معیار خوبی حاکمیت شرکتی برای آن بیشتر از متوسط بانک‌های خصوصی باشد، در مدت زمان کمتری به بهبود رتبه دست می‌یابد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

در پایان با توجه به اهمیت رعایت اصول حاکمیت شرکتی بر حفظ ثبات و سلامت بانک‌ها و بهبود رتبه نظارتی بانک‌ها، توصیه‌های کاربردی پیشنهاد می‌شود، بانک مرکزی و ناظران بانکی، ضمن داشتن زویه مشخص در رتبه‌بندی بانک‌ها، معیارهای مورد نظر برای رتبه‌ندی را نیز یه بانک‌ها اعلام نمایند، تا بانک‌ها نیز بدانند بر اساس کدام معیارها مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند. همچنین ضمن طراحی معیارهای خوبی حاکمیت شرکتی و به‌کارگیری آن در تعیین رتبه نظارتی، پویایی‌های تغییر رتبه نظارتی بانک‌ها را با توجه به تغییرات متغیرهای کیفی نظیر معیارهای حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار دهند. این موضوع می‌تواند قضاوت بهتری از وضعیت ثبات و سلامت بانک به ناظران و مدیران یک بانک ارائه دهد.

منابع

احمدیان، اعظم (۱۳۹۷). "طراحی سیستم رتبه‌بندی نظارتی بانک‌ها در شبکه بانکی کشور(رویکرد کملز)". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۸۵، سال بیست و ششم، بهار ۱۳۹۷، صص۱۳-۷.

تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم و مهران کیانوند (۱۳۹۲). "اثر تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)". *فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، سال ششم، شماره نوزدهم.

سید نورانی، محمدرضا؛ شاکری، عباس؛ خادم علی‌زاده، امیر؛ رضا وفایی یگانه (۱۳۹۷). "سنجش شاخص‌های بهره‌وری بانک‌های منتخب نظام بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران(با تأکید بر کارایی و اثر بخشی)". *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال هجدهم، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۹۷، صص۲۰۷-۱۸۵.

رحیمیان، نظام‌الدین؛ محمدی، حمید و معصومه صالحی‌راد (۱۳۹۲). "نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌ها". *بررسی‌های حسابداری*، دوره اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲.

طبائی‌زاده فشارکی، حمید؛ پورزرندی، محمد؛ ابراهیم، محمد و مهرزاد مینوئی (۱۳۹۷). "تأثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانک‌های تجاری ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال یازدهم، شماره سی و هشتم، پائیز ۱۳۹۷، صص ۱۲۶-۱۰۹.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

فرزین‌وش، اسداله؛ دادگر، یداله؛ مهرآرا، محسن و ابوالفضل نجارزاده (۱۳۹۶). "نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره۸۲، سال بیست و پنجم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۱۰-۲۶۱.

قاسمی علی‌آبادی، مهدی و علی نصیری اقدم (۱۳۹۷). "معرفی مدل مناسب اندازه‌گیری شاخص حاکمیت شرکتی در نظام بانک‌داری بدون ربا (محاسبه آن در یک بانک نمونه)". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۸۷، سال بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۱۶-۷۷.

لایحه قانون پولی و بانکی (۱۳۹۵). بانک مرکزی ایران.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۵). "آسیب‌شناسی نظام بانکی، اصول و استانداردهای حاکمیت شرکتی بانک‌ها"، *دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی*، کد ۲۲۰، شماره مسلسل: ۱۴۹۱۱.

Aguilar D. Q. (2016). Impact of Corporate Governance on Peruvian Bank's Financial Strength. Graduate Institute of International and Development Studies International Economics Department, Working Paper Series, Working Paper No. HEIDWP12-2016.

Ahmadyan A. (2018). "Design of a Rating System in Banking Supervision in the Banking Network: CAMELS Approach". *Quarterly journal of Economic Research and Policies*, 26(85), pp. 7-31.

Artiningsih A., Novmawan M.R. and S. Warsono (2011). "Corporate Governance Implementation andPerformance Assessment using the CGCG's UGM Rating Model: Commercial Banks in Indonesis". *Journal of Indonesian Economy and Business*, 26(2), pp. 219-234.

Baklouti N., Gautier F. and H. Affes (2016.) "Corporate Governance and Financial Distress of European Commercial Banks". *Journal of Business Studies Quarterly*, 7(3).

Basel III. (2011). *A Global Regulatory framework for more resilient banks and banking systems*, December 2010 (rev June 2011).

Bauwhede H.V. and M. Willekens. (2008). "Disclosure on Corporate Governance in the European Union". *Corporate Governance: An International Review*, 16(2), pp. 101–15.

Caprio G., Laven L. and R. Levine (2007). "Governance and bank valuation". *Journal of Financial Intermediation*, 16(4), pp. 584–617.

Dang U. (2011). *The Camel rating system in banking supervision a case study*. Arcada University of Applied Sciences in Finland.

Dann L. and H. DeAngelo (1983). Standstill Agreements, Privately Negotiated Stock Repurchases, and the Market for Corporate Control, *Journal of Financial Economics*, No.11, pp. 275-300.

Das U.S., Quintyn M. and K. Chenard (2004). "Does Regulatory Governance Matter for Financial System Stability? An Empirical Analysis". *Monetary and Financial Systems Department*, WP/04/89.

Deputy of Economic Research (2016). "Pathology of Banking System, Principles and Standards of Corporate Governance of Banks", *Office of Economic Studies, Deputy of Economic Research*, Code 220, Serial Number: 14911.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

FitchRatings (2004). "Credit Policy Special Report", *Evaluating Corporate Governance: The Bondholders' Perspective*, New York.

Ghasemi A., Abadi M. and A. Nasiri Aghdam (2018). "Developing a Model to Measure the Corporate Governance Index in Usury-free Banking (Calculation in a sample Bank)". *Quarterly Journal Of Economic Research and Policies*, 26(87), pp.77-116.

Gupta R. (2008). "A Camel Model Analysis of Private Sector Banks in India". *Journal of Gyan Management*, 2(1), pp. 3-8.

Healy P.M. and K.G. Palepu. (2001). "Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets : A Review of the Empirical Disclosure Literature". *Journal of Accounting and Economics.* 31(1–3), pp. 405–40.

Inam H. and A. Mukhtar (2014). "Corporate Governance and its Impact on Performance of Banking sector in Pakistan". *International Journal of Academic Research in Applied Science.* 3(2), pp. 26-36.

Jensen M. and W. Meckling. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure". *Journal of Financial Economics*, No. 3, pp. 305-360.

Jose Lopez A. (1999). Using Camels ratings to monitor Bank Conditions, FRBSF Economic Letter 99-19.

Kirkpatrick G. (2009). The Corporate Governance Lessons from the Financial Crisis' Financial Market Trends, No. 96, pp. 1-30.

La Porta R., F. Lopez-de-Silanes and A. Shleifer (1999). "Corporate Ownership Around the World". *Journal of Finance.* 54(2), pp. 471–517.

Larcker D. and B. Tayan (2011). *Corporate Governance Matters*. Upper Saddle River, nj: Pearson Education.

Levine R. (1997). "Financial development and Economic Growth: view and agenda". *Journal of Economic Literature*, No. 35, pp. 688-726.

Madura J.Z. (1995). "Bank Exposure to Interest Rate Risk: A Global Perspective". *Journal of Financial Research*, 53(1), pp. 1-13.

Martynova M. and L.D.R. Renneboog. (2010). "A Corporate Governance Index: Convergence and Diversity of National Corporate Governance Regulations". *Center Discussion* Paper 2010-17, Tilburg University, University.

Milligan J. (2002). "Guess Who's Rating, Your Bank". *ABA Banking Journal*, 94(10), pp. 86-76.

Monetary and banking law bill. (2016). Central Bank of Iran.

Nagarzadeh A., Farzinvash A., Dadgar Y. and M. Mehrara (2017). "Investigating the Effect of Corporate Governance on Banking Sector Indices". *quarterly journal of Economic Research and Policies*, 25(82), pp. 261-310.

Nestor S. and J.K. Thompson. (1999). *Corporate Governance Patterns in oecd Economies: Is Convergence under Way?. Available at:* http://www.oecd.org/dataoecd/7/10/1931460.pdf

Pathan S., Skully M. and J. Wickramanayake (2008). "Reforms in Thai Bank Governance: The Aftermath of the Asian Financial Crisis". *International Review of Financial Analysis*, 17(2), pp. 345-362.

Peni E. and S. Vähämaa (2012). "Did Good Corporate Governance Improve Bank Performance during the Financial Crisis?". *Journal of Financial Services Research*, No. 41, issue 1-2, pp. 19-35.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]

Rahimian N., Mahammadi H. and M. Salehirad (2014). "The Role of Corporate Governance Mechanisms in Banks' Performance". *Journal of Iranian Accounting review*, 1(1), pp. 1-147.

Rebel A.C. and W.G. Jefferey (1995). "A Camel Rating's shelf life, Financial Industry Studies", *Federal Reserve Bank of Dallas*, pp. 13–20.

Renders A. and A. Gaeremynck (2012). "Corporate Governance, Principal-Principal Agency Conflicts, and Firm Value in European Listed Companies". *Corporate Governance: An International Review* 20 (2), pp. 43-125.

Renders A., Gaeremynck A. and P. Sercu. (2010). "Corporate-Governance Ratings and Company Performance: A Cross-European Study". *Corporate Governance: An International Review*, 18(2), pp. 87–106.

Rogers M. (2008). Corporate Governance and Financial Performance of Selected Commercial Banks in Uganda. Queen's University Belfast http://www.crrconference.org.

Romana A.S. (2013). "Analyzing the Financial Soundness of the Commercial banks in Romania: An approach based on the Camels Framework". *Journal of Procedia Economics and Finance*, 6(1), pp. 703-712.

Saghafi A. and A. Saif (2005). "Recognition and Measurement of Financial and fundamental economic variables affecting the health and stability of the banking system in Iran". *Journal of Economic Research*, 17(3), pp. 65-112.

Seyed Nourani, Seyed Mohammadreza; Shakeri, Abass; Khadem Alizadeh, Amir; Vafaee Yeganeh, Reza. (2018). Measuring and Evaluating Productivity Indicators of Selected Banks in Iran (With an Emphasis on Efficiency and Effectiveness). *Journal of Economic Research*, 18(70), P. 185-207.

Tabaiezade Fesgaraki H., Pour Zarandi, M. E. M., and Minouei, M. (2018). "The Effects of Corporate Governance on financial soundness of Iran commercial banks". Management Accounting, 11(38), pp. 109-126.

Taghavi M., Ahmadyan A. and M. Kianvand (2013). "Analysis of the Effect of Corporate Governance on the Stability of the banking system in developing Countries (with emphasis on the ownership index of banks)". *Finacial Knowledge of Securities Analysis*, 6,(19(3)).

The Netherlands Bank (2000). *Risk Analysis Handbook*.

Tipurić, D., M. Mešina, A. Čeh Časni, D. Djokić, M. Duh, V. Hadži Vasileva-Markovska, P. Vrboski, and M. Lovrinčević. (2016). "The Differences in Board Structure and Composition in Croatia, Macedonia and Slovenia". In New Governance for Value Creation: Towards Stakeholding and Participation; Proceedings of the 4th International OFEL Conference on Corporate Governance, Management and Entrepreneurship, edited by D. Tipurić and I. Kovač, 231–47. ciru: Zagreb.

Uniform Financial Institutions Rating System (1997). Statements of Policy. The United States: Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-01-30]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.100.153]